

یمن در گرداب جنگ داخلی

درگیری های نظامی
تقریباً به همه ۱۷ استان یمن کشیده شد

در صفحه ۱۲

ارتش جمهوریخواه ایرلند تقاضای رژیم اسلامی برای ترور مخالفان رارد کرد

● حکومت اسلامی ادعای رابطه محرمانه تهران با ارتش
جمهوریخواه را با جگیری سیاسی خواند

به گفته مقامات لندن، جمهوری اسلامی با ارتش آزاد بیخشی ایرلند شمالی رابطه سری دارد و به آنان پول و اسلحه می دهد. مسئولان بریتانیا می گویند مدت ها است از روابط پنهانی ایرلند شمالی با ماموران امنیتی حکومت اسلامی با خبرند و برای اثبات ادعای خود مدرک کافی در اختیار دارند.

تظاهرات چند هزار نفری دانشجویی در تهران

دانشجویان کوی دانشگاه در خیابانهای تهران تظاهرات کردند

بنا به گزارشات رسیده از تهران، در روز چهارشنبه ۳۱ فروردین ماه بزرگترین اعتصاب و تظاهرات دانشجویی سالهای اخیر در کوی دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف آن به وقوع پیوست که با دخالت نیروهای انتظامی و زور خوردن آنان با دانشجویان همراه شد. بنا بر این گزارشها چندین هزار تن از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه در

دولت ارزش ریال را با زهم کاهش داد

- بانکها از مورد نیاز وارد کنندگان کالا راه نرخ ۵۰ ریال کمتر از نرخ بازار آزاد تامین خواهند کرد
- هفته گذشته نرخ دلار در بازار آزاد از ۲۶۰ تا ۲۷۰ تومان بود
- در پی موج تازه گرانی، نمایندگان مجلس خواهان سلب اختیار قیمت گذاری از شورای اقتصاد شدند

ماها پس از قطع عرضه ارز از سوی بانکهای کشور، چهارشنبه هفته گذشته کمیته تنظیم بازار ارز به ریاست هاشمی رفسنجانی تشکیل



هر روز شمار بیشتری از مردم به سوی ققرا نده می شوند

روز جهانی آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات

در ایران
نقض می شود

در صفحه ۶

کتاب خوان کردن

مردم

راه حل های دیگری

می طلبد

در صفحه ۶

گات:

منافع تجارت آزاد
در مقابل

مصالح اقتصادی

در صفحه ۵

جلسه داد و تصمیم گرفت از این پس ارز مورد نیاز وارد کنندگان کالا از طریق دولت و شبکه های بانکی تامین گردد. بهای این ارز به اساس نرخ های تاکنون اعلام شده از سوی بانک مرکزی، بلکه ۵۰ ریال کمتر از نرخ ارز در بازار آزاد محاسبه و از متقاضیان دریافت خواهد شد. نرخ اعلام شده از سوی بانک مرکزی برای هر دلار آمریکا تاکنون ۱۷۵ تومان بوده است، در حالیکه بهای هر دلار آمریکا هفته گذشته در بازار آزاد از ۲۶۰ تا ۲۷۰ تومان در نوسان بود.

از اوایل پانزده سال گذشته در پی تشدید بحران مالی ناشی از کاهش درآمدهای ارزی دولت، شبکه بانکها از راه ارز به متقاضیان - بنابر سبستی که دولت پیش از آن در پیش گرفته بود - نتوان ماند. یا مراجعه متقاضیان از به بازار آزاد، نرخ ارزهای خارجی رو به افزایش گذاشت بطوریکه طی شش ماه گذشته ارزش دلار آمریکا از ۱۷۵ تومان به ۲۶۵ تومان رسید و ریال ایران بطور متوسط حدود ۷۰ درصد ارزش خود را از دست داد. با آنکه بهای اعلام شده ارزهای خارجی از سوی بانک مرکزی در ۶

ادامه در صفحه ۲

اشیگل - دوم ماهه ۱۹۹۴ ترور؛ اسم رمز: بزرگ علوی!

آلمان فعال اند، سرویس اطلاعاتی وابسته به وزارت اطلاعات و امنیت بزرگترین آنهاست، و در سفارت ایران در برن، مرکز خود در اروپای غربی را دایر کرده است. این گزارش می افزاید نمایندگی وزارت اطلاعات، در اواخر ۱۹۸۶ و اوایل ۱۹۸۷ ایجاد شد، و در یک طبقه سفارت که مورد محافظت ویژه است، مستقر است. در ادامه گزارش، آمده است که این نمایندگی، دارای یک اتاق مخبرات بی سیم و حداقل ۲۰ کارمند است. طبق اطلاعات اداره مراقبت از قانون اساسی، مرکز سرویس مخفی ایران در برن، به خرید و انتقال غیر قانونی اطلاعات کارشناسی نظامی و به ویژه سلاح های اتمی - بیولوژیک - شیمیایی، نیز علاقمند است. این گزارش می افزاید محصولاتی برای تسلیحات اتمی - بیولوژیک - شیمیایی، به کمک ماموران سرویس

هفته نامه اشپیگل، چاپ آلمان، در شماره دوم ماهه ۱۹۹۴ خود، طی گزارشی در مورد دادگاه برلین، گوشه هایی از فعالیت های جاسوسی و تروریستی جمهوری اسلامی در آلمان را افشا کرده است. در زیر ترجمه این گزارش را می خوانید.

آنطور که آشکار شده است، دولت فدرال آلمان بیش از آنچه تا به حال گمان می رفت، درباره قتل چهار کرد مخالف در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در رستوران میکوتوس برلین اطلاعات دارد. به این نکته، یک گزارش محرمانه "گروه کار ایران" در اداره فدرال مزاحمت از قانون اساسی، مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۳، اشاره دارد. در این گزارش آمده است این ترور توسط نمایندگی سرویس مخفی ایران در برن تدارک دیده شده و با اسم رمز "بزرگ علوی" اجرا شده است. طبق این گزارش، از سه سرویس اطلاعاتی ایران که در

رئیس مجلس از طرح استیضاح وزیر آموزش و پرورش جلوگیری کرد

تقاضای استیضاح وزیر آموزش و پرورش که با امضای ۲۹ نفر از نمایندگان مجلس مطرح شده بود، به رغم پافشاری امضاء کنندگان آن از طرف رئیس مجلس قابل طرح تشخیص داده نشد.

ناطق نوری رئیس مجلس در توضیح علت عدم طرح تقاضای استیضاح گفت: تقاضای مطرح شده کلی بود، در حالیکه موارد استیضاح باید مشخص و روشن باشد. در ضمن جمعی از نمایندگان نیز امضای خود را پس گرفته اند. وی افزود: استیضاح کنندگان می توانند در صورت تمایل موارد استیضاح را دقیقاً مشخص کرده و تقاضای دیگری را در این باره طرح نمایند. مقتدائی نماینده ای آبادان یکی از امضاء کنندگان طرح استیضاح در این رابطه گفت: اکثریت طراحان این تقاضا بر مطرح شدن آن در جلسه علنی اصرار دارند و تنها تعداد اندکی

تشکیل کمیته دفاع از سعیدی سیرجانی

کمیته ای دفاع از سعیدی سیرجانی در آمریکا تشکیل شد. این کمیته با ارسال نامه ای به دبیر کل سازمان ملل و برخی سازمان های مدافع حقوق بشر از جمله سازمان عفو بین الملل، از آنها خواسته است که وسایلی فراهم آورند که سعیدی سیرجانی بتواند از حق انتخاب وکیل مدافع، حق محاکمه در یک دادگاه علنی با حضور هیأت منصفه و نمایندگانی رسانه های بین المللی بهره مند گردد.

ادامه در صفحه ۳

مردم داری دروغین مجلسیان

دو هفته پیش مجلس به یک فوریت لایحه ای رای داد که اختیار قیمت گذاری و افزایش قیمت ها را از شورای اقتصاد و در واقع دولت می گیرد و به مجلس می دهد تا به گفته مجلسیان، افزایش بی رویه قیمت ها تحت کنترل نمایندگان مردم قرار گیرد. و یک هفته پیش دولت در قالب "کمیته تنظیم بازار ارز" نرخ دلاری را که قرار است به تجارت و تولید کنندگان بدهند، به یکباره نزدیک به ۱۰۰ تومان افزایش داد، که نخستین نتیجه آن موج تازه ای از گرانی و افزایش قیمت ها است. آنچه را که ظاهراً مجلس قصد رستن داشت، دولت با این تصمیم پیشاپیش پنبه کرد و این حکایت هر روز در جمهوری اسلامی است.

در ظاهراً سیاست تعدیل اقتصادی هنوز، سیاست اقتصادی رسمی و اعلام شده جمهوری اسلامی است، اما اکنون مدت ها است تصمیمات نهادهای مختلف قدرت و حتی خود دولت، که باید مدافع و مجری اصلی این سیاست باشد، چیزی از این سیاست باقی نگذاشته و دیگر نه از یک سیاست اقتصادی معین، بلکه از سردرگمی بی سیاستی اقتصادی در جمهوری اسلامی با یاد سخن گفت. تصمیماتی که گرفته می شوند، هیچگونه پیوند منطقی با هم ندارند. تصمیمات امروز، قوانین دیروز را بی اعتبار می کنند و مصوبات این ارگان، دستورات آن ارگان را فاقد تاثیر می سازند. این نابسامانی و سردرگمی قبل از آنکه و پیش از آنکه ریشه در تفاوت روشها و سیاستهای محافظ و دستجات صاحب نفوذ در حکومت اسلامی داشته باشد، متاثر از شرایط شدت بحرانی و فلج اقتصادی - اجتماعی است که جامعه را بسوی انفجار می کشاند و حکومت را در یکی از مخاطره آمیزترین دوره های حیات خود قرار داده است. دغدغه مجموعه حکومت در ماههای اخیر نه پیشبرد این یا آن سیاست و مشی موافق یا مخالف با سیاست ناکام تعدیل اقتصادی، بلکه معطوف به مقابله با این وضع بحرانی و انفجاری بوده است. مجلس و دولت، و ارگان اصلی حکومتی همانگونه که ویژه هر شرایط بحرانی است در مورد راه حلها، ناسازگاری و ناهماهنگی روز افزونی نشان می دهند و این ناسازگاری و ناهماهنگی بر سردرگمی های شان افزوده و آنان را در موقعیتی فرو برده که جزین بست نامی بر آن نمی توان نهاد.

در این کش و قوس، بنظر می رسد که مجلس جانب مردم را گرفته و با امواج کوبنده گرانی که از بی یکنوایی میگذرد و امان مردم را بریده اند، مخالف است و در صدد چاره جویی برای مهار این گرانی ها است. مجلس بسیار مایل است در نزد مردم چنین چهره ای از خود به نمایش گذارد. اما قصد واقعی آن نه مبارزه با گرانی که نمایش مبارزه با گرانی است. آنان که امروز اکثریت مجلس را در دست دارند و برای آن تصمیم می گیرند، یا خود از بازار ایران اند و یا بازو در بازو دست در دست آنان دارند. و در ایران هر کسی می داند که بازار ایران خود از عوامل عمده

ادامه در صفحه ۲

در این شماره:

درباره رابطه چپ با سازمان مجاهدین
در صفحه ۷

چین: آن سوی رشد و رونق اقتصادی
در صفحه ۸

طالبانی: باید برای یک امر قابل تحقق مبارزه کنیم
در صفحه ۹

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

سرنوشت "پشت کنکوری ها"، گوشه ای از یک درد

در نخستین مرحله آزمون سراسری دانشگاهها بیش از یک میلیون داوطلب تحصیل در موسسات آموزش عالی کشور شرکت کردند. از میان این خیل عظیم شرکت کنندگان در کنکور تنها درصد ناچیزی موفق به کسب مکانی برای تحصیل می شوند. هر سال تعداد متقاضیان ورود به دانشگاهها و همراهِ با آن رقم و درصد کسانی که به انبوه پشت کنکوری ها می پیوندند، افزایش چشم گیری می یابد. مرکز آمار ایران در یک تحقیق به بررسی سرنوشت کسانی پرداخته است که در پنج سال گذشته پشت دیوار بلند موسسات آموزش عالی ایران مانده اند.

بر اساس داده های نهاد نام برده، تنها ۲۰ درصد از پشت کنکوری ها که تا کنون به تحصیل می اندیشند، ۵۰ درصد از آنان به نیت ادامه تحصیل از کشور خارج می شوند، ۵۰ درصد به تحصیل در مقاطع کاردانی می پردازند و ۱۰ درصد خود را برای شرکت در کنکور بعدی آماده می کنند. از آن طرف ۴۰ درصد از پشت کنکوری ها به دست فروشی، مسافرکنی و مشاغل نظیر آن روی می آورند، ۱۵ درصد به استخدام نیمه رسمی موسسات دولتی درمی آیند، ۱۰ درصد در شرکت های نیمه دولتی و خصوصی به کار می پردازند، ۵۰ درصد به استخدام نیروهای نظامی و انتظامی در می آیند و ۲۰ درصد از تحصیل چشم پوشی می کنند و به سرکاری می روند. ۵۰ درصد از میان مجموع پشت کنکوری ها دچار بزهکاری و اعتیاد می شوند.

چه تفسیری بر این آمار نیاز است؟ پشت کنکور ماندن یعنی از دست دادن همه چشم اندازهای آینده. آنکه نمی تواند از سد کنکور عبور کند باید در انتظار ریکاری و انواع مفاسد و تحقیرهای اجتماعی باقی بماند و هر گونه شانس پیشرفت، ترقی و موفقیت اجتماعی را از دست بدهد. تازه ارقام مرکز آمار ایران نمی گوید که اصولاً چند درصد از جوانان ایرانی این امکان را می یابند که دبیرستان را تمام کنند و بخت خود را در کنکور بیازمایند.

سرنوشت پشت کنکوری ها تنها مشتی از خروار بی سیاستی و نا کاردانی رژیم اسلامی حکم حکم بر ایران ونمودی است از زورهای فاجعه ای در عینی، فاجعه زندگی بی سرانجامی که خاکمان نالایق کشور برای جوانان مملکت ما به ارفغان آورده اند. با نظر داشت واقعیت جوان بودن جمعیت ایران، ابعاد و زورهای این فاجعه بیش از پیش آشکار می شود.

حکومت اسلامی نه تنها قادر نیست با یک برنامه ریزی کار آرای آموزشی از این همه اشتیاق به تحصیل، آموزش و علم بهره براری کند و نیازهای روز افزون کشور به نیروی کارشناس را تأمین نماید، بلکه حتی از تأمین حداقل امکانات برای کسانی که در اصل در نتیجه سیاست های نا بخردانه آن موفق به راه یابی به دانشگاه ها نمی شوند نیز عاجز است.

سیاست های رژیم اسلامی در زمینه آموزشی و از جمله تخصیص بودجه چنان است که امکانات تحصیلی و شانس جوانان برای راه یافتن به موسسات عالی کشور هر روز با شتابی فزاینده رو به فقیرا دارد. رژیم اسلامی کوچک ترین روزنه امید را از مقابل دیدگان امیدوار جوانان ما می رباید و تمامی راه را به سوی شان می بندد.

در هنگامه ای که جوانان هر روز بیش از پیش خود را با آینده ای بی چشم انداز مواجه می بینند، حاکمان کشور تنها در اندیشه به بند کشیدن جوانان در چارچوبه تنگ و تحمل ناپذیر افاقا و بیسار گونه خویش و محروم کردن آنها از هر آن چیزی هستند که نیاز واقعی جوانان است. و در میان صدها هزاران شخصیت، نهاد، ارگان، سازمان، بنیاد، کمیته، انجمن، نماینده و رهبر در حکومت متحجران اسلامی یک تن، حتی یک تن هم نیست که خود را مسئول محور چشم اندازهای به هر حال محدود و ناچیز زندگی جوانان و مسئول سرنوشت آنان بدانند.

ادامه از صفحه ۱ رئیس مجلس از طرح استیضاح ...

استیضاح کننده در دفتر رئیس مجلس تشکیل شد از قرار معلوم وزیر آموزش و پرورش نمی توانست با نمایندگان استیضاح کننده به توافق برسد و قرار شد نامه در جلسه علنی روز بعد قرائت شود که ناطق نوری آنرا قابل طرح ندانست.

شایان ذکر است که طبق آئین نامه مجلس طرح استیضاح با امضای حداقل ۱۰ نماینده پس از ارائه به هیأت رئیسه باید از تریبون مجلس قرائت شود تا جنبه رسمی پیدا کند.

نمایندگان امضاء کننده در تقاضای استیضاح خود در ۱۶ مورد از وزیر آموزش و پرورش توضیح خواسته اند که افت تحصیلی دانش آموزان، تأسیس مدارس غیر انتفاعی توسط مدیران این وزارتخانه، حیف و میل بیت المال و

ادامه از صفحه ۱ ترور اسم رمز: ...

مخفی ایران و از طریق شرکت های پوششی ایرانی در آلمان و کشورهای خارجی، علیرغم همه ممنوعیت ها، از آلمان خارج شده است. به درخواست وکیل یکی از اشکایان خصوصی، اکنون قرار است این

ادامه از صفحه ۱

بزنند. اما دانشجویان به وعده های مسئولین دانشگاه اعتنا نمی کردند. در ادامه اعتصاب دانشجویان از کوی دانشگاه خارج شده و به راهپیمایی و تظاهرات در خیابان کارگر شمالی پرداختند. با ورود تظاهر کنندگان به خیابان نیروهای سرکوبگر رژیم راه را بر آنان بستند و سرانجام با یورش به صفوف تظاهرات آن را برهم زدند. از تعداد مجروحین و دستگیرشدگان تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران هیچ گزارشی و خبری منتشر نشده است. اما خشونت نیروهای انتظامی در مقابله با تظاهرات دانشجویان به حدی بوده است که مورد انتقاد مهندس مسلمی مدیر خوابگاههای دانشگاه تهران قرار گرفت. وی در یک گفتگویی اختصاصی با روزنامه سلام گفت: نیروهای انتظامی می توانستند عملکرد بهتری داشته باشند. مدیر خوابگاههای دانشگاه تهران در این مصاحبه، تظاهرات دانشجویان و راهپیمایی آنها در خیابان کارگر شمالی را مورد تأیید قرار داد. سخنان او تنها سخنانی بود که در جمهوری اسلامی و مطبوعات وابسته به آن پیرامون این تظاهرات انتشار یافت. مسئولین رژیم و

تظاهرات چند هزار نفری ...

ارگانهای تبلیغی آن در مقابل این تظاهرات بزرگ دانشجویی سکوت اختیار کردند و از انتشار هر گونه خبری در مورد آن مناعت کردند. علاوه بر تظاهرات گسترده دانشجویان ساکن کوی دانشگاه، در روزهای گذشته چندین اعتراض دیگر دانشجویی نیز صورت گرفت. دانشجویان دانشگاه تربیت معلم تهران در نخستین روزهای اردیبهشت ماه دست به تحصن زدند. دانشجویان به وضوح نابسامان سرویس های دانشگاه اعتراض داشتند. به گفته دانشجویان، دانشگاه تربیت معلم فاقد سرویس دهی مناسب برای رخت و آمد به حصارک گرچ (محل جدید این دانشگاه) است. تحصن دانشجویان با دخالت مسئولان دانشگاه و اقدام آنان برای رفع مشکل دانشجویان پس از سه ساعت پایان یافت. گروهی از دانشجویان رشته پزشکی دانشگاههای علوم پزشکی سراسر کشور در اعتراض به نحوه طرح سئوالات امتحان جامع علوم پزشکی، مقابل ساختمان وزارت بهداشت دست به تظاهرات زدند. به گفته دانشجویان معترض، تعدادی از سئوالات امتحان خارج

از کتب و منابع معرفی شده بوده است و سیاستهای مسئولین، تعداد مردودین را نسبت به دوره های قبل پاشی ندادند.

مشکلات کوی دانشگاه

کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ با ظرفیت ۷۰۰ نفر تأسیس شد. اکنون این خوابگاه ۱۲ هزار دانشجوی را در خود جای داده، اما قادر به سرویس دهی به آنان نیست. در حالیکه کالاهای مورد نیاز از این مجتمع افزایشی به مقدار ۱۵۰۰ درصد داشته است، تنها ۵۰۰ درصد به اعتبارات کوی افزوده شده و همه این اعتبارات نیز در بخش عملیات اجرایی جذب شده و در بخش خدمات و سرویس دهی هیچ گونه بهبودی صورت نگرفته است. احداث فرانتخانه کوی اکنون مدتهاست به دلیل کمبود بودجه ناتمام مانده و در عرضی برای احداث مسجد کوی ۲ میلیون تومان هزینه شده است. اوضاع نابسامان غذاخوری کوی، یکی از دلایل عمده اعتراض دانشجویان است. در رستوران کوی تنها ۸۰ هزار غذا برای حداقل ۱۲ هزار دانشجویان به می شود و کیفیت غذا از این نظر بسیار پایین و غیر بهداشتی است. دانشجویان بازمی گردند.

دولت ارزش ریال را ...

وزارتخانه های دولتی، موج تازه ای از گرانی براه افزاده است که فشار مشکلات معیشتی را به حد بی سابقه ای رسانده است. تقریباً به ازای هر ریالی که به نرخ ارزهای خارجی در بازار آزاد افزوده می شود نرخ کالاها و خدمات نیز به همان میزان افزایش می یابد. این گرانی ها عیناً شامل کالاها و خدمات دولتی از جمله آب و برق و تلفن، حمل و نقل و ... نیز می شود. افزایش نرخ برخی از این خدمات در هفته های اخیر به چندین برابر رسیده است. در همین حال زمره ما حاکی از آنست که دولت بخاطر تنگنای سخت مالی خود در صدد حذف سوبسیدهاست. سخنان ماه گذشته رفسنجانی در نماز جمعه که به مسئله سوبسیدها و عادلانه و ناعادلانه بودن آن اختصاص داشت، بروشنی حکایت از این تصمیم دولت داشت. بازتاب سخنان رفسنجانی و افزایش روز بروز نرخ کالاها و خدمات از سوی دستگاههای دولتی نگرانی عمیقی را در میان مردم که به نوشته روزنامه های وابسته به رژیم زندگی و معیشت ۸۰ درصد آنها زیر خط فقر قرار دارد، ایجاد کرده است. نگرانی از پیامدهای سیاسی و اجتماعی این وضع، هراس برخی محافل حکومت را برانگیخته بطوریکه، تعدادی از نمایندگان مجلس در طرحی که برای تصویب به مجلس ارائه داده اند، خواستار سلب اختیار قیمت گذاری از شورای اقتصاد و احاله آن به مجلس شده اند. بر اساس این طرح که یک فوریت آن از تصویب مجلس گذشته است، دولت با شورای اقتصاد بدون اجازه مجلس حق افزایش نرخ ها را ندارد و قیمت کالاها و خدماتی که از بهمن ماه گذشته توسط دستگاههای دولتی افزایش یافته است، دوباره به سطح قبل از آن بر خواهد گشت.

نمایندگان مجلس در توضیح دلایل ارائه چنین طرحی به مجلس می گویند: انگیزه اصلی تهیه این طرح بی ثباتی قیمت ها و افزایش روزانه و بدون حساب نرخ کالاها و خدمات است که این مسئله امنیت اقتصادی خانواده ها را برهم زده است. این نمایندگان می گویند به خاطر مشکلات اقتصادی مردم

بویژه انتشار کم درآمد، مجلس تناسب میان افزایش نرخ کالاها و توان اقتصادی مردم را ضروری می داند و دولت اگر می خواهد قیمتی را افزایش دهد باید این تناسب را مد نظر قرار دهد. همزمان با این اقدام، امام جمعه های چندین شهر نیز دولت را بخاطر گرانی ها مورد حمله قرار دادند و خواستار استیضاح وزرای شدند که به گرانی ها در می زنند. تاکنون دولت واکنشی در باره طرح نمایندگان مجلس نشان نداده است. علیرغم هر سرنوشتی که این طرح در مجلس بیاید، بازم سیاست افزایش نرخ کالاها و خدمات چه دولتی و چه غیر دولتی ادامه خواهد یافت، زیرا در میان محافل قدرتمند حکومتی هیچکس در پی یک مبارزه جدی با گرانی نیست و آنچه که صورت می گیرد نیزه از سر دلسوزی که نمایش و عوامفریبی است.

مردم داری دروغین ...

گرانی ها و استفاده کننده اصلی آن هستند. این مجلسیان در دفاع از سیاست تعدیل اقتصادی نقش بسیار داشته اند. آنها بر تصمیم دولت در شاور کردن ارز صحنه گذارند که نتیجه مستقیمش، افزایش کمر شکن قیمتها بود، آنها قوانین بسیاری را تصویب کردند که دولت و بازاریان با اتکاب به آن ها هر چه را خواستند و به هر میزان که خواستند گران کردند و آخرین نمونه آن موافقت مجلس با افزایش قیمت تلفن و پست و موارد دیگر در بودجه ۷۳ بود که اکنون ظاهراً در صدد مقابله با آن برآمده اند. اما چه چیز مجلس هوادار بازار را به اجرای نمایش مبارزه با گرانی وادار کرده است؟ اوضاع انفجار آمیز و ترس از شورش مردم یگانه پاسخی این پرسش است. مجلس در موافقتهای اجرایی، حساب خود را از حساب نابسامانی ها جدا کنند. آنها در این اندیشه اند که اگر قرار است آتش خشم مردم دامن کسی را بگیرد، این کس متحد دیر و روز قیام امروز آنها باشد. آنها با تشخیص اوضاع بحرانی، از همان بدو تشکیل مجلس چهارم شروع به جدا کردن حساب خود از حساب رفسنجانی و دولت او کردند و هر چه اوضاع بحرانی تر شد و شکست سیاست تعدیل آشکار تر گردید، بر این جدایی بیشتر تاکید ورزیدند تا همه گناهان مشترک را به حساب رفسنجانی بریزند و فردای خود را نجات دهند.

حکوم مجلس می تواند ادای مبارزه با گرانی را در آورده، دولت حتی این امکان را هم ندارد و برای جبران انواع هزینه های بی حساب و کتاب و وامهای سرسام آور، مجبور است از کسوفت راه رچه فراوانتر - در نتیجه ارزان تر - بفرود و از سوی دیگر آخرین موجودی جیبهای مردم را با افزایش هر روزه قیمتها خالی کند. بهمین جهت است که دستگاههای دولتی پشتاز گرانی ها هستند و توپ و تشرهای مجلس را نیز به چیزی نمی گیرند، زیرا می دانند که قصد واقعی، مبارزه با گرانی نیست که اگر بود، مجلسی که در اسامور است می باید تاکنون تسه از کرده این دولت کشیده باشد. دولت رفسنجانی که دیگر امید زیادی به آینده ندارد، شانس خود را برای فردای ایران از دست داده است و بهمین جهت به غریبی می ماند که برای بیشتر بر روی آب ماندن به هر تلاشی دست می زند و هیچ به فکر فردای خود و نظام نیست. گروه تشکیل دهنده اکثریت مجلس بر خلاف رفسنجانی در خیال آن است که با قربانی کردن رقیب در برابر آتش خشم مردم فردا اما از آن خود کند و از همین رهنه زده مردم داری در سیاستهای خود علاقه نشان می دهد. اما آنان ظاهر از درک این نکته غافل اند که اگر قرار باشد آتش خشم مردم دامن کس یا کس دیگری را بگیرد، بازاریان و روحانیون و مجلسیان که در گروه رسالت جمع شده اند، در صف نخستین خواهند بود.

آیانیکسون دوست ایران بود؟

ریچارد نیکسون، شخصیت جنجال برانگیزی که نزدیک قرن، از برجسته ترین رقم زندگان سیاست آمریکا و تأثیرگذار بر سرنوشت جهان بود، درگذشت. مرگ او فرصت تازه ای را برای ناظران سیاسی پدید آورد تا یاد بگر کارنامه ی بلند او را مرور کنند و درباره ی آن به قضاوت بنشینند. او در ۲۳ سالگی (سال ۱۹۴۶ یک سال پس از پایان جنگ جهانی دوم) با پای گذاشتن در مجلس نمایندگان آمریکا به عنوان یک ضد کمونیست دو آتسه و با لقب "شکارگر کمونیست ها" در جرگه ی سیاستگذاران آمریکا وارد شد، ۴ سال بعد به سناتوروری رسید و در سال ۱۹۵۲ به معاونت آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا از حزب جمهوری خواه برگزیده شد و در تمام ۸ سال دوره ی زمامداری وی در آن مقام باقی ماند. پس از آن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بعنوان کاندیدی این حزب از جان اف کندی کاندیدی جان و محبوب حزب دموکرات شکست خورد و نخستین دوره ی دوری ظاهری از سیاست را آغاز کرد. اما دوران فترت او چندان طول نکشید و ۸ سال بعد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۸ میلادی به عنوان سی و هفتمین رئیس جمهور آمریکا انتخاب شد و تا زمان رسوایی و اترگیت در سال ۷۴ که او را به اقدام بی سابقه ی استعفا از مقام ریاست جمهوری آمریکا وادار کرد، بر سر کار بود.

انتظار می رفت وی که دودوره ی اوج و حضیض را در زمامداری حکومت آمریکا پشت سر گذاشته بود پس از ماجرای و اترگیت مانند بقیه ی سیاستمداران آمریکایی که برای یکبارگی آمدند و می رفتند، بویژه پس از آن رسوایی بزرگ صحنه ی سیاست را برای همیشه ترک گوید، اما او با "سماجت" قابل توجه، در سال های ۸۰ میلادی بار دیگر وارد گرد شد و این بار به سفارش روسای جمهور وقت آمریکا به عنوان مشاوره ی ما موریت های نیمه رسمی می رفت که آخرین آنها دیدارشان از مسکود در ماه پیش از مرگش بود. نیکسون در

در عرصه ی سیاست داخلی آمریکا از نیکسون به عنوان آدم خود را بی یاد می شود که سعی داشت قدرت را انحصاری کند. به نوشته ی مجله ی تایم "در تاریخ آمریکا هیچ رئیس جمهوری این چنین متکبرانه و خود خواهانه برای حفظ قدرت خویش، حداقل به این بی پردگی، قانون شکنی نکرده است". ۳۰ نفر از نزدیکان وی بخاطر نقشی که در ماجرای و اترگیت داشتند به زندان رفتند و با اینکه مشخص بود که دستور استراق سمع از دفتر حزب رقیب (حزب دموکرات آمریکا) از جانب نیکسون داده شده و قاضی بررسی کننده ی پرونده به این نتیجه رسید که او باید زندانی گردد، جانشینش جرالدفورد وی را مورد عفو کامل و مطلق وبدون قید و شرط قرار داد.

در عرصه ی سیاست خارجی نیز نیکسون ترندهای مشابهی بکار می برد. وی به جنگ ویتنام ابعاد گسترده تری داد و بیشترین بمب ها را در تاریخ جهان بر سر مردم آن کشور فروریخت و تنها در اثر مقاومت دلیرانه ی مردم ویتنام بود که مجبور شد نیروهایش را از آن کشور خارج کند.

روزنامه ی گاردین در مطلبی درباره ی مرگ نیکسون او را از فاسدترین افراد زمان خود و از جنگ افروزان تاریخ معاصر دانست و کمونیست های ایتالیایی نیز او را "تکت بزرگ" بشريت نامیدند. در زمان او روند دموکراسی نه تنها در آمریکا بلکه در بسیاری از

کشورهای دیگر سیر نزولی طی کرد. سیاست خارجی نیکسون که بعدها "دکترین نیکسون" نام گرفت، در سال های پس از جنگ جهانی دوم، در دوران فروپاشی استعمار کهن و آغاز جنگ سرد شکل گرفت. رئوس این سیاست که بخاطر سلطه جویی آمریکا بر جهان تدوین شده بود، بر آن مبتنی بود که این کشور بجای آنکه در کشورهای دیگر مستقما نیرو پیاده کند، عمدتاً از میان زمامداران کشورها در مناطق "حساس" جهان که با آمریکا همسویی داشتند، "زاندانم" هایی بگمارد تا مجری سیاست های سلطه طلبانه آمریکا شوند. محمدرضا پهلوی، شاه ایران چنین شخصی بود. وی که تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد در موقعیت متزلزلی داشت از جانب دولت جمهوری خواه آمریکا که نیکسون از مهمترین تدوین کنندگان سیاست آن بود، برای نقش زاندان در منطقه خاورمیانه در نظر گرفته شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد نیز این نیکسون بود که برای مشاهده نتایج کودتا که به سقوط دولت ملی دکتر مصدق انجامید، به تهران سفر کرد. در اعتراض به این سفر و در ارتباط با نقش آمریکا در سقوط دولت مصدق بود که دانشجویان و روشنفکران ایران دست به اعتراض زدند و رژیم شاه به قصد خوش خدمتی به دانشجویان حمله کرد و کشتار روز ۱۶ آذر ۳۲ آفرید. از آن زمان دوستی قبلاً شکل گرفته ی نیکسون و شاه با گر بتوان آنرا رابطه ی دوستی نامید - تعمیق یافت و تا زمان مرگ شاه پایدار ماند. هم از این روست که امروز رضا پهلوی، اردشیر زاهدی و مقاله نویسان کیهان لندن در سوگ او زانوی غم بغل کرده و به تعریف و تمجید فراوان از او پرداخته اند. او را "از دستداران واقعی و ثابت قدم ایران" و "خدمتگذار صلح می دانند. برخی از این تمجید کنندگان نیکسون کسانی اند که این اواخر سخت می کوشند از خود چهره ای معتقد به دموکراسی و حقوق بشر نشان دهند.

مردم ایران تصویری جدا از خانواده ی پهلوی و نزدیکانشان نسبت به نیکسون در ذهن دارند. در دوران تأثیرگذاری وی بر سیاست های جاری در کشورمان، تشکیلات اهریمنی ساواک شکل گرفت و آزادی های سیاسی و اجتماعی مردم بیش از پیش محدود گردید.

مردم ایران چه در نخستین سفر وی، تنها چند ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد و چه در دومین سفر وی که در سال ۱۳۵۱، در اوج حاکمیت جو سرب و اختناق در کشور صورت گرفت، از وی استقبال نکردند و دانشجویان با شعار "جلاد ویتنام برو گمشو" بسوی او سنگ پرتاب کردند. امری که خشم شاه و ساواک را برانگیخت و دانشجویان دستگیر شده به جرم پرتاب سنگ در دادرسای ارتش بین ۶ ماه تا یکسال زندانی شدند؛ کسانی که در زندان به شوخی "نیکسونیست" نامیده می شدند.

ری شهری: تظاهرات مکه را بر گزار می کنیم

پرواز حجاج ایرانی به مکه از روز یکشنبه بازمه اوردیبهشت آغاز شد. پافشاری جمهوری اسلامی برای متقاعد ساختن سعودی ها به افزایش سهمیه حجاج ایرانی به جای نرسید و آخوند هاناچارابه تصمیم عربستان گردن نهادند. آخوند ها میخواستند ۱۲۰ هزار نفر بفرستند و عربستان با ۶۰ هزارتن موافق بود. سرپرستی زائران ۶۰ هزار نفری برعهده محمدی ریشهری وزیر سابق اطلاعات و امنیت است.

در آستانه مراسم حج همزمان با تشدید تنش میان ریاض و تهران درگیری میان "بیت" خامنه ای و دولت بالا گرفت. خامنه ای و نزدیکانش وزارت امور خارجه را به کوتاهی در برگزاری "حج انقلابی" سفارشی "امام راحل متهم کردند و رفسنجانی مخالفین را مسئول تشدید بحران مناسبات دیپلماتیک جمهوری اسلامی با عربستان خواند.

هدف خامنه ای و اطرافیان از

پرواز حجاج ایرانی به مکه از روز یکشنبه بازمه اوردیبهشت آغاز شد. پافشاری جمهوری اسلامی برای متقاعد ساختن سعودی ها به افزایش سهمیه حجاج ایرانی به جای نرسید و آخوند هاناچارابه تصمیم عربستان گردن نهادند. آخوند ها میخواستند ۱۲۰ هزار نفر بفرستند و عربستان با ۶۰ هزارتن موافق بود. سرپرستی زائران ۶۰ هزار نفری برعهده محمدی ریشهری وزیر سابق اطلاعات و امنیت است.

ارتش جمهوریخواه ایرلند ...

ادامه از صفحه ۱

دوماه پیش حسن روحانی نایب رئیس مجلس و دبیر شورای امنیت ملی در دیدار با جفری راسل کاردار سفارت انگلیس در تهران به وی گوشزد کرده بود که لندن باید از پافشاری بر بلغرفوتوان قتل رشتی پرهیز کند، چرا که در تهران کسی نیست که بتواند سخن خمینی را پس بگیرد.

با طرح ارتباط جمهوری اسلامی با ارتش جمهوریخواه ایرلند عادی سازی روابط دیپلماتیک طرفین دشوارتر گردید. انگلیسی ها رسماً به مهلت باز پرداخت بدیهیها دادند. داگلاس هاک، معاون وزارت خارجه بریتانیا، غلامرضا انصاری کاردار سفارت جمهوری اسلامی را در لندن به وزارت امور خارجه فراخواند و هشدار رسمی دولت میجر را علیه فعالیت سری جمهوری اسلامی به وی ابلاغ کرد. در تهران نیز مسئولان جمهوری اسلامی دست به عمل متقابل زدند.

علی آهنی، مدیر کل امور اروپایی در وزارت امور خارجه، جفری جیمز، کاردار سفارت انگلستان را به وزارت امور خارجه احضار کرد و به وی گفت دولت جمهوری اسلامی اخبار مربوط به همکاری مخفی با ارتش جمهوریخواه ایرلند شمالی را که در اظهارات مسئولان وزارت خارجه بریتانیا و در رسانه های این کشور منتشر شده، قاطعانه تکذیب می کند.

در این رابطه روزنامه تایمز در مقاله ای با استناد به منابع رسمی از فردی به نام امیرحسین تقوی یاد کرد و نوشت تقوی با نام های مستعار ایروانی و جواد پورمرادی واسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و ارتش جمهوریخواه ایرلند است. تایمز نوشت در قبال ایران باید از پیشنهاد آمریکا مبنی بر اتخاذ استراتژی مشترک برای انزوای سیاسی و اقتصادی ایران پیروی کرد، اما تا کنون تنها انگلستان بوده که در برابر آخوندها سرسختی نشان داده و سازش نکرده است. آلمانی ها علناً از فلان حیان وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی در بن پذیرایی کردند و فرانسه تروریست های جمهوری اسلامی را پس داد.

در مقابل ترور این سه تن، رژیم اسلامی به ایرلندی ها قول داده بود موشک های استیگر، آلات و ابزار تجسسی، اسلحه کمربندی، مسلسل پوزی، مواد منفجره و... در اختیار آنها قرار دهد. به ادعای ایرلندی پندت: آخوندها این درخواست را در جلسه ای که با حضور نمایندگان استقلال طلبان باسک، گروه های چپ یونان و کورسیکا و ارتش آزاد بخش ایرلند شمالی در تهران تشکیل شده بود مطرح کردند. ایرلندی ها پس از سه ماه به جمهوری اسلامی جواب رد دادند.

سختگویی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی با اردو به بگریز رشتی پس از ورود به عربستان بار دیگر بر برگزاری مراسم برائت از مشرکین است. ری شهری تظاهرات ممنوع است و زائران ایرانی نیز باید پیرو مقررات ممنوعیت تظاهرات سیاسی باشند.

در حاشیه دیدارها

سخن اش تلخ نخواهی، دهن اش شیرین کن!

علی محمد بشارتی وزیر کشور در آن مصاحبه ی مطبوعاتی معروف خود که تهدید به جمع آوری آنتن های بشقابی کرد، پس از پایان گفتگوه هریک از خبرنگاران حاضر با کنه ای حاوی ۵۰ هزار ریال هدیه داده است. خبر این هدیه دادن ها را کیهان هوایی چاپ کرده و نوشته است: "هدیه غیر معمول وزیر کشور به خبرنگاران با زتاب منفی در جامعه مطبوعاتی داشت و از آن تعبیرات مختلفی بعمل آمد.

برای جلوگیری از این "تعبیرات مختلف" وزیر کشور به کیهان هوایی جواب داده که این هدایا "عیدی" بوده که یک "رسم دیرین و حسنه ملی و مذهبی" دارد و نه از آن نوع که بشود از آن "تعبیرات مختلفی بعمل آورد. و معترض شده که با هدیه دادن ایشان چنین برخورد شده است.

بهرحال آقای وزیر هر نیتی هم که از اهدای این هدایا داشته باشد، جای تعبیر باقی است. مثلاً این تعبیر که آیا آقای وزیر کشور به کارکنان وزارتخانه خود نیز از این عیدی ها داده است؟ یا فقط دهن شیرین کنی برای مطبوعات چی ها بوده؟

بهرحال روشن می شود که آقای بشارتی تنها استعداد اشتلم کردن ندارند و اگر لازم باشد از دیگر وسائل نیز قادرند استفاده کنند!

دولت در کار خدمات فرهنگی است؟

در محافل نشر کتاب در تهران مدتی است صحبت از این است که دولت - وزارت فرهنگ و ارشاد - درصدد ایجاد یک مؤسسه بزرگ انتشاراتی است و با بکار گرفتن تعدادی از مترجمین قصد دارد آثار بزرگ ادبی جهان را ترجمه و در اختیار علاقمندان این آثار در ایران قرار دهد. گرچه تا کنون این خبر از سوی دولت رسماً تأیید نشده، اما شرکت های خصوصی نشر کتاب آنرا جدی گرفته اند و می گویند اینکار دولت هر چند میتواند یک خدمت فرهنگی مغتنمی باشد، اما قصد واقعی دولت آنست که با تکیه بر امکانات وسیع دولتی و با کنار زدن ناشران خصوصی که توان رقابت با دولت را نخواهند داشت، رفته رفته کنترل امور چاپ و نشر کتاب را در اختیار بگیرد، که در آنصورت نه خدمت فرهنگی که یک کار ضد فرهنگی خواهد بود. برخی از نویسندگان و دست اندکاران نشر کتاب این کار دولت را به انتشارات "پروگرس" شوروی سابق تشبیه می کنند که انحصار و کنترل نشر آثار قلمی در اتحاد شوروی سابق را در اختیار داشت و طبعاً به چاپ و نشر آثار می پرداخت می کرد که مورد پسند و ذوق و سلیقه گردانندگان آن و در واقع دولت بود.

"حج" هم سوبسید می خورد!

سوبسید در جاهایی که استفاده از آن لازم آید، معمولاً به کالاها و خدماتی پرداخت می شود که استفاده عموماً دارند و بعضاً نیز برای حفظ سطح زندگی قشرهای کم درآمد به چند قلم کالای ضروری صورت می گیرد. اما سوبسید شامل هر کالایی هم بشود، در باور نمی گنجد که موردی چون "حج" نیز مشمول آن گردد. ولیکن در نظام اسلامی چنین چیزی واقفیت دارد.

رفسنجانی چندی پیش در نماز جمعه گفت "ما برای حجاج امسال ۲۱ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفتیم که تفاوت هزینه ها را بدهیم. ۲۱ میلیارد تومان داده می شود که کسانی که مستطیع هستند به مکه بروند و این هم از جیب فقرا و بسیجی ها و مردم درمی آید. خواننده ای با استناد به سخنان رفسنجانی، به روزنامه سلام گفته است: "این حرام است که خانواده بنده به نان و پنیر قانع باشیم و آدم واجب الحجی که معلوم نیست این پول هنگفت را از چه راهی بدست آورده از سهم نان و پنیر خانواده من به حج برود. هیچ می دانید که با این ۲۱ میلیارد تومان می شود ۲۱ هزار دبستان یک میلیون تومانی در دهات مناطق محروم ساخت و اگر مخارج هر تخت بیمارستان را ۵ میلیون تومان بر آورد کنیم با این پول می شود ۴۲ بیمارستان صد تخت خوابی در شهرستانهای عقب مانده و فاقد بیمارستان ایجاد کرد."

اگر حضرت امام باقی بود حتماً به این خواننده سلام تشرندی می زد که: چرا؟ خوب هم می دانیم که با این ۲۱ میلیارد تومان چه می توان کرد. اما مملکت اسلام که جای مدرسه و بیمارستان نیست...

سخن هفته

۸۰ درصد از مردم مشکل اقتصادی ندارند. ۱۰ تا ۱۵ درصد مردم که قشر کارمندان را تشکیل می دهند، آنها هم مشکل خاصی ندارند. ۶ تا ۸ درصد می ماند که آنها هم زیر پوشش کمیته های امداد هستند!

شجاعی - نماینده "مردم" جهرم در مجلس شورای اسلامی

تشکیل کمیته دفاع از ...

ادامه از صفحه ۱

مستعار "تیا کرمانی" در ارتباط با یک شبکه ی مواد مخدر دستگیر شده و بدلیل داشتن سابقه ی همکاری با ساواک به وزارت اطلاعات تحویل داده شده است. در این مصاحبه وی لیستی از اتهامات مختلف را که گویا این دو تن در جریان "تحقیقات" به آنها اعتراف نموده اند ارائه داد. به گفته ی وی سعیدی سیرجانی علاوه بر حمل و توزیع و استعمال مواد مخدر و ساختن و نگهداری و توزیع مشروبات الکلی و همجنس بازی، متهم است که با شبکه ای از افسران ساواکی مرتبط با کودتای نوزده در

ارتباط بوده و در فعالیت های بمب گذاری و جاسوسی دست داشته است و ضمناً از شبکه های ضد انقلابی در آمریکا و اروپا ارز دریافت می کرده است. موسوی نژاد در این مصاحبه از جریان تیراندازی به عیای امام جمعه ی مشهد نیز سخن گفت. وی مسئول ترور فردی به نام علی حوری معروف به "بابی" اهل هفت تپه خوزستان اعلام کرد و مدعی شد که وی در ارتباط با سازمان مجاهدین بوده است.

حساب و کتاب!

کارگر به کارفرما: آقای رئیس من به یک روز مرخصی احتیاج دارم.
کارفرما با توپ پر: خواهش نکنم ازین درخواستها نداشته باشی. شما هیچ می دانید که اضرا در طول سال چقدر کار می کنید که حالا درخواست یک روز مرخصی هم دارید؟ میل دارم یکبار هم که شده برایتان حساب کنم.
کارگر: بفرمائید حساب کنید آقای رئیس ما که کم کاری نکرده ایم.
کارفرما: الآن معلوم می شود. بگو ببینم هر سال چند روز است؟
کارگر: ۳۶۵ روز آقا کارفرما: از تمام روز شما ۸ ساعت در خواب هستید که در طول سال می شود ۱۲۲ روز. می ماند ۲۴۳ روز. از این مدت هم شما ۸ ساعت را روزانه بکارهای شخصی خود می پردازید. باز هم می شود ۱۲۲ روز در سال. باقی است؟
کارگر: بله آقا.
کارفرما: سالانه ۵۲ یکشنبه و ۵۲ شنبه را شما کار نمی کنید که جمعا ۱۰۴ روز است. باقی می ماند ۱۷ روز. از این مقدار باید روزانه ۱/۵ ساعت استراحت و صبحانه و نهار را کم کرد که در سال می شود ۷۰ روز در تقویم سالیانه ۹ روز تعطیلی رسمی وجود دارد. ختماً حالا می توانی خودت حساب کنی که در طول سال چند روز کار می کنی؟
کارگر: با حساب شما آقای رئیس فقط یک روز.
کارفرما: اشتباه می کنی. آن یک روز هم روز اول ماه است که کارگران تعطیل هستند!! آنوقت هنوز هم درخواست مرخصی داری!!!

مشورت با زنان، آری یا نه؟!!

دولت اخیراً لایحه ای را به مجلس برده و خواهان حقوق بیشتر برای زنان در قضاوت شده است. این لایحه بحثهای دویازده ای را در محافل جمهوری اسلامی دامن زده که سابقه ای طولانی میان آنان دارد.
در بهمن ماه ۶۳ پنج تبصره به قانون انتخاب قضات دادگستری اضافه شد. در تبصره پنجم مشاورت خانم ها مورد تصویب قرار گرفت در همان زمان کسانی مانند موحدی ساوجی ها علم مخالفت برافراشتند و استدلال کردند که: مشورت با قضاوت یکی است! با وجود مخالفت ها آن تبصره تصویب شد و حال بعد از گذشت ده سال دولت لایحه ای به مجلس برده و خواستار شده که مشارکت زنان در مشورت قضایی حوزه گسترده تری پیدا کند به این معنی که بانوان واجد شرایط با پایه ی قضایی جهت تصدی پست های مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه های مدنی خاص، دادیاری، بازپرسی دفاتر مطالعات حقوقی و تدوین قانون انتخاب شوند. در لایحه تا کنین شده است که: فقط مشاورت نه قضاوت. این

در حاشیه یک خبر

خبر چنین است که در ویدئو کلوب های قانونی قم بیش از ۲۰۰ نوار ویدئویی غیر مجاز کشف شده که برخی از آن ها "مبتذل" هم بوده است. قضیه آن قدر بیخ پیدا کرد که یک مقام مسئول امنیتی نزدست بکار و خواستار رسیدگی به قضایای مشابه شد.
خشم حضرات این است که چرا مردم - آنهم در قلب پایگاه ایدئولوژیک رژیم یعنی شهر قم - فیلمهای "خوب" ویدئو کلوب های اسلامی شان را نمی خواهند و همه اش در فکر انحراف و دیدن فیلم های "بد" هستند.

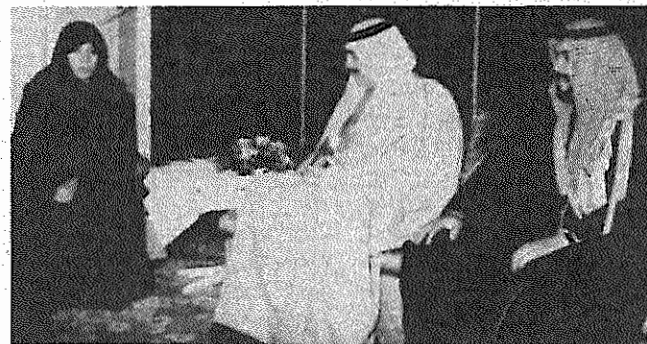
رژیم اسلامی که پس از ۱۰ سال ممنوعیت ویدئو کلوب ها و ویدئو نوار ویدئو تحت فشا واقعیت و به عنوان یک سوپاپ اطمینان به بازگشایی ویدئو کلوب ها و آرایه یک سری فیلم های دستچین شده رضایت داده بود، در حقیقت می خواست مردم را "خر" کند و آن ها را از دیدن فیلم های "غیر مجاز" و "مبتذل" بازدارد. ولی همین واقعیت خیلی زود ویدئو کلوب های نیمه دولتی را نیز وادار به کارهای غیر قانونی کردند. نتیجه این امر همان خبری است که در ابتدای این نوشته خواندید.

سران رژیم شنیده بودند که ممنوعیت انجام یک کار مردم را در انجام آن کار حریص میکند و خواستند ممنوعیت مشاهده ویدئو نوار آرایه فیلمهای کنترل شده از میان بردارند تا حرص مردم از میان برود. اما آن ها تنها این نکته کوچک را فراموش کرده بودند که هنر، سرگرمی، تفریح، شور، نشاط و زندگی ربطی به ممنوعیت و حرص و آز و آزادی ندارند. آدمی تشنه این هاست و هیچکس قادر به گرفتن این عطش از وی نیست.

یک پرسش

روژنامه سلام در یادداشت سیاسی مندرج در روزنامه ی مورخه ۱۱ اردیبهشت ماه، در مورد از پرده برون افتادن اقدامات جدید دولت جمهوری اسلامی در مورد ترور هنرمندان و اندیشه ورزان ایرانی مقیم انگلستان که قرار بود با پول ملت ایران و بدست دیگران انجام گیرد، از کوره بدررفته و ضمن حمایت کامل از دولت جمهوری اسلامی در مورد پناهندگان اپوزیسیون چنین می نویسد:
آیا حمایت و تماس لندن با افراد اپوزیسیون با گذاشتن در محدوده ی امنیتی ملی و منافع ملی و دینی ما نمی باشد؟
این آقایان بعنوان یاران و همراهان "خنجینی" آیا فراموش کرده اند که رهبرشان در زمان تبعید و در پاری به همین غرب پناهنده شدند و اتفاقاً مورد حمایت همه جانبه نیز قرار گرفت؟ فراموش کرده اند که اعلامیه های "آقا" از همین رادیو بی بی سی پخش می شد؟ آیا آن زمان هم این اعمال کشور انگلیس دخالت در امر داخلی کشور ایران محسوب می شد و آیا آن اعمال هم از نظر آقایان محکوم است یا نه؟

رویدادهای ورزشی



خانم فائزه هاشمی، نایب رئیس کمیته ملی المپیک ایران در حال مذاکره با شیوخ عرب پیرامون ورزش بانوان کشورهای اسلامی جمهوری اسلامی تمایل بسیار دارد که یک المپیک ورزشی از بانوان اسلامی سرهم بندی کند. نخستین دوره این المپیک را هم در تهران برگزار کردند، اما ظاهراً برای برگزاری دومین دوره آن میزبانی پیدا نمی کنند.
پس از برگزاری نخستین دوره المپوم یادبودی منتشر کردند که ۲۵ میلیون تومان هزینه آن شد و صدای نزد یکتین وابستگان به حکومت را هم در آورد. گفته می شود، این المپوم را بدلیل همین اعتراضات جمع کرده اند.

فرانکفورت به تهران می رود

بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه، تیم فوتبال اینترناخت فرانکفورت آلمان قرار است در روز ۲۸ اردیبهشت به تهران برود. گفته می شود این تیم در مدت اقامت خود در تهران دو دیدار دوستانه با تیم ملی فوتبال ایران برگزار خواهد کرد. تیم فرانکفورت یکی از تیمهای قدرتمند

تیم ملی فوتبال آغاز کرد

تیم ملی فوتبال ایران، سرانجام با تاخیر بسیار، تمرینات مقدماتی خود را آغاز کرد. فدراسیون فوتبال به دنبال ماهها سرگردانی، آری هان فوتبالیست مشهور قدیمی هلندی را به سمت سرمربی تیم ملی فوتبال برگزید. دستیارانی که برای وی در نظر گرفته شده اند، حسن روشن، مهدی دینورزاده، ابراهیم قاسمپور و محمد پنجعلی هستند. گفته می شود ابراهیم قاسمپور ملی پوش سابق، از دومین جلسه تمرین، کنار کشیده است.
فدراسیون فوتبال ۵۸ بازیکن را برای تمرینات تیم ملی دعوت کرده است. در اولین دو روز تمرین تیم ملی بسیاری از دعوت شدگان، به ویژه شهرستانها حضور نداشتند. بطوریکه در نخستین جلسه تمرین، اعضای دو تیم به حد نصاب کافی نرسیدند! بسیاری از اعضای

تیم تنیس ایران شکست خورد

تیم ملی تنیس ایران با شکست از تیم تایوان از صعود به گروه یک منطقه آسیا و اقیانوسیه جام دیویس بازماند. تیم ملی ایران در این مسابقه ۴ بر ۱ شکست خورد. تنها پیروزی ایران را در این مسابقات

حسره های کوتاه

افزایش نرخ مکالمات تلفنی به خارج

با تصویب شورای اقتصاد از تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۷۳ نرخ مکالمات تلفنی از ایران با خارج از کشور بر اساس نرخ ارز شناور محاسبه می شود. بر اساس این مصوبه مکالمات تلفنی با خارج از کشور از ساعت ۱۲ شب تا ۷ صبح و در روزهای جمعه از ۵ درصد تخفیف برخوردار خواهد بود. در نرخ های قبلی تفاوتی برای روز شنبه وجود نداشت.

خرید یک زیر دریایی دیگر

تیمسار دریا در سمعخانی فرمانده نیروی دریایی اعلام کرد تا پایان نیمه اول سال جاری سومین زیر دریایی به ناوگان نیروی دریایی در بندر عباس می پیوندد. این زیر دریایی نیز مانند دو زیر دریایی دیگر از روسیه خریداری شده است و گفته می شود بهای هر یک از آنها بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار است. خبرگزاری ها گزارش دادند که عربستان نیز قصد دارد در رقابت با جمهوری اسلامی برای خود نیروی دریایی تشکیل دهد.

شهرداری ها ۲۰۰ میلیارد بدهکارند

معاون عمرانی وزارت کشور فاش ساخت که شهرداریهای کشور با ۲۰۰ میلیارد ریال بدهی مواجه هستند. وی گفت: بخش عمده شهرداریهای کشور دیون آنها به سازمان تامین اجتماعی و بخشهای خصوصی است و به منظور کمک به بازپرداخت این بدهیها و طرح آسوی وزارت کشور به مجلس شورای اسلامی ارایه شده است. وی به جزئیات این طرحها اشاره ای نکرد.

تغییر هیئت مدیره دفتر تبلیغات اسلامی

خانمته ای افراد جدیدی را به سمت هیئت مدیره دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منصوب کرد. این افراد عبارتند از جعفری گیلانی، محمد عراقی، فاضل هرنیدی، سعیدی و هاشمی. با این تغییرات، حجت الاسلام عباسی خراسانی پس از ۱۵ سال از مدیریت این نهاد برکنار شد. خانمته ای در پیام خود دلیل برکناری وی را خستگی او از کار کردن در این دفتر اعلام کرد. اما گزارشها حاکی از اختلافات پشت پرده است. نماینده خانمته ای در مراسم معارفه هیئت مدیره جدید به شایعات و تحلیل های کذبیه که پیرامون دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در بعضی محافل وجود داشت اشاره کرد و بیانیه کارکنان دفتر در تجلیل از عباسی خراسانی از، اختلاف سلیقه در دفتر سخن گفته است.

سطح آب دریاچه ارومیه بالای آید

سطح آب دریاچه ارومیه اخیراً به مقدار قابل توجهی بالا آمده و میزان آن در حال حاضر ۱۵۰ سانتی متر بیش از ارتفاع آب در سال گذشته و ۴ متر بیشتر از سال ۴۵ می باشد.
بر اساس پیش بینی های انجام شده از طرف سازمان آب منطقه ای آذربایجان غربی ارتفاع آب دریاچه تا دو ماه دیگر حدود ۸۰ سانتی متر دیگر نیز افزایش خواهد یافت.
با افزایش ارتفاع آب، خطر آبگرفتگی کلیه کشتزارهای موجود در سواحل دریاچه را تهدید می کند. تا بحال بخشی از مراتع و مزارع حدود ۳۰ روستا در شهرستان های ارومیه، میاندوآب، خوی و سلماس زیر آب رفته و بخشی از راه ارومیه به تیریز در آذربایجان شرقی قطع شده است. مهندس زرگر رئیس ستاد حوادث غیر مترقبه اعلام کرده است که طرح هایی برای مقابله با پیش روی آب دریاچه از ماه آینده اجرا خواهد شد.

مدت تحصیل دانشجویان کاهش می یابد

هاشمی گلپایگانی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی اعلام کرد مدت تحصیل دانشجویان در مراکز آموزش عالی به حداقل زمان تقلیل می یابد. وی گفت تلاش وزارت علوم بر این است تا دروس غیر ضروری که باعث طولانی شدن اقامت دانشجویان در دانشگاه ها می شود، حذف شوند. گلپایگانی همزمان به دانشجویان رزمندگانه توصیه کرد که به طولانی شدن مدت تحصیلاتشان اهمیت ندهند و با توجه به اینکه نسبت به دیگران از ضعف علمی برخوردارند، به تناسب وضعیت خود انتخاب واحد نمایند.

نامه سرگشاده

تعدادی از افراد گروه های مختلف اجتماعی، تخصصی و سیاسی داخل کشور با ارسال یک نامه ی سرگشاده به دفتر سازمان ملل متحد در تهران از دبیر کل سازمان ملل متحد خواستند که تمامی امکانات و اختیارات خود را برای توقف فاجعه ی بوسنی بکار گیرد و با از مقام خود کناره گیری کند.
در میان امضاء کنندگان نام افرادی چون مهدی بازرگان، علی اردلان، یدالله سبحانی، عزت الله سبحانی، هاشم صباغیان، احمد صدر حاج سید جوادی، علی اکبر معین فروابراهیم یزدی به چشم می خورد.

به جرم بیان عقیده کسی را مجازات نمی کنیم!

ابوالفضل موسوی تبریزی، دادستان کل کشور، نمایندگان وسائل ارتباط جمعی بین المللی را دعوت کرد از زندانهای جمهوری اسلامی دیدن کنند. وی مدعی شد: در جمهوری اسلامی ایران حتی یک نفر به جرم بیان عقیده و یا انتساب به بهائیت مجازات نمی شود! به گفته مقامات رژیم در ایران بیش از ۹۰ هزار زندانی وجود دارد که ۶۵ تا ۷۰ درصد آنان در ارتباط با مواد مخدر دستگیر شده اند. گالیندویل گزارشگر ویژه سازمان ملل در آخرین گزارش خود رقم زندانیان سیاسی در ایران را ۱۹ هزار نفر اعلام کرده بود.

سالانه ۳۰ تا ۵۰ درصد تولیدات کشاورزی از بین می رود

آنها از بین می رود. به نوشته گیهان هوایی برخی از کارشناسان صنایع غذایی، مشکل اصلی را در صنعت بسته بندی و حمل و نقل مواد غذایی



به صورت فله می دانند. ضعف بسته بندی موجب می شود که صادرات این محصولات نیز بسیار ناچیز باشد. چنانچه، در سالهای اخیر صادرات مواد غذایی سالانه از ۷ تا ۱۰ میلیون دلار تجاوز نکرده است. در ایالات متحده بنا به آمار سازمان خواربار و کشاورزی جهان، ۹۰ درصد گوجه فرنگی، ۷۹ درصد زیتون، ۶۵ درصد لوبیای سبز، ۶۲

بدلیل فقدان صنایع بسته بندی، تبدیلی و انبارداری و حمل و نقل پیشرفته، سالانه حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد محصولات و فرآورده های غذایی کشاورزی ضایع شده و از بین می رود. این ضایعات شامل محصولاتی است که در صورت بسته بندی یا تبدیل آنها به کنسرو و کنسنتره، علاوه بر تامین نیاز بازار داخلی، به میزان قابل ملاحظه ای نیز می تواند به خارج از کشور صادر شده و درآمد ارزی نصیب کشور سازند. به گفته یکی از مدیران صنایع غذایی کشور، سالانه دست کم ۳۰ درصد محصول سیب، ۵۰ درصد انگورو و ۲۵ درصد مرکبات تولید شده در کشور از مرحله برداشت تا مصرف به صورت ضایعات از بین می رود.

در گزارشی که هفته نامه گیهان هوایی از وضعیت صنایع و محصولات غذایی تهیه کرده، آمده است: از حدود ۱۵ میلیون تن محصول کشاورزی و زراعی تولید شده در کشور، تنها ۶۷ هزار تن مواد غذایی به صورت بسته بندی وارد بازار می شود. عرضه یا نگهداری مابقی این محصولات به صورت فله است که با فقدان سیستم انبارداری و حمل و نقل پیشرفته بخش بزرگی از

افزایش نرخ سود سپرده های بانکی

بودن شدید نرخ تورم ناشی از آن و نزول شدید ارزش برابری ریال در مقابل ارزهای خارجی به قصد تشویق سرمایه داران به سپردن پولشان به بانک ها صورت می گیرد. اخبار رسیده حاکی است که صاحبان ثروت بویژه در ماه های اخیر به میزان زیاد سرمایه های خود را از بانک ها خارج کرده اند و بدین سبب از حجم سپرده های بانکی پیش ازین کاسته شده است.

روبات قالبی باف به روش سنتی

روبات اصلی و سازوکارهای جانبی آن در حال تکمیل است و عملیات ساخت نمونه ی اولیه آن آغاز شده است. بر اساس این گزارش سه تن از استادان دانشگاه خواجه نصیر مسئولیت اجرای این پروژه را به عهده گرفته اند.

احتمال تعطیلی کارخانه آلومینیوم سازی اراک

فلزات، محیط زیست و دادستانی عمومی استان مرکزی گرفته شود. اداره ی محیط زیست استان مرکزی بخاطر آلوده سازی شدید محیط زیست توسط این کارخانه تعطیلی آن را از دادستانی این استان خواسته است.

ولی الله سیف مدیرعامل بانک صادرات ایران اعلام کرد که در صورت تصویب پیشنهاد شورای پول و اعتبار، نرخ سود علی الحساب پرداختی به سپرده گذاران در سال جاری افزایش می یابد. وی از میزان این افزایش سخنی نگفته است. ظاهراً این اقدام بدنبال کاهش شدید درآمدهای ارزی، افزایش چشمگیر میزان نقدینگی (در اثر چاپ اسکناس بدون پشتوانه) و یالا

به گزارش روابط عمومی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، پروژه ی طراحی و ساخت روبات قالبی باف به روش سنتی در دست اجراست. زمان اجرای این پروژه ۴ سال پیش پیشی شده و هم اکنون عملیات طراحی اولیه از مجموعه ی

موضوع ادامه ی کاریا تعطیل شدن کارخانه ی آلومینیوم سازی اراک به علت آلوده سازی محیط زیست بزودی در دادستانی کل کشور مورد بررسی قرار گرفته و درباره ی آن تصمیم گیری می شود. تصمیم نهایی در این باره قرار است در جلسه ای با حضور مسئولان وزارت معادن و

جذب صنایع تبدیلی می شود، اما به دلیل فقدان صنایع بسته بندی، محصولات آن نمی تواند بصورت بسته بندی و سالم وارد بازار شود. بعنوان مثال بخاطر همین ضعف در سال گذشته ایران نتوانسته جوابگوی یک معامله کوچک ۳۲ هزار تنی رب گوجه فرنگی یا کشورییی باشد و این معامله را از دست داده است. کشوری چون ایتالیا که مساحت آن به هیچ روی قابل مقایسه با ایران نیست سالانه حدود ۳۵۰ هزار تن رب گوجه فرنگی را در بسته بندی های کوچک و مشتری پسند وارد بازار داخلی خود و سایر کشورهای جهان می کند.

با توجه به تنوع آب و هوایی کشور و نیز تولید بیش از نیاز داخلی بسیاری از محصولات باغی - یا حداقل وجود امکانات کافی برای تولید بیش از نیاز بازار داخلی - صادرات این محصولات یکی از امکانات بالقوه و درآمدزایی برای کشاورزان و باغداران است، اما با فقدان صنایع تبدیلی و بسته بندی پیشرفته و نیز کمبود نیروی متخصص و نیز بی توجهی کامل دولت نه تنها این امکانات هرز می رود بلکه کشور تبدیل به یکی از واردکنندگان عمده محصولات کشاورزی بویژه در برخی اقلام عمده آن شده است.

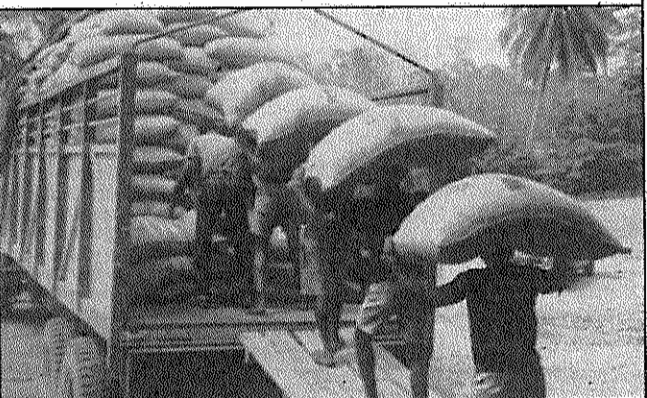
گات: منافع تجارت آزاد در مقابل مصالح اقتصادی ملی

در پهنه رقابت سخت بین المللی که در پی اجرای گات بوجود خواهد آمد، بهره مند خواهند شد؟ ناگفته نماند که موافقت نامه تعرفه و تجارت جهانی و قوانین و مقرراتی که پس از اجرای گات بر جریان داد و ستد بین المللی حاکم خواهد شد، بطور کلی وفی نفسه نا عادلانه و به سود گروهی و به زیان گروه دیگری نیست. بلکه آنچه قضیه را نامتوازن و نا عادلانه می کند، سطح رشد نابرابر کشورهای و توانمندی اقتصادی یکی در برابر عقب ماندگی تولیدی - صنعتی دیگری است.

بجای یک قطبی کردن جهان از لحاظ سیاسی، گروه بندی و بلوک بندی اقتصادی فراهم کند، درآمد کشورهای در حال توسعه از محل صادرات نفت را حدود ۱۰ میلیارد دلار افزایش دهد، در حالی که ۲۵ درصد صادرات کشورهای عضو اتحاد اروپا را خدمات (بانکداری، بیمه، حمل و نقل، مخابرات، خدمات کامپیوتری، معماری و ساختمان و توریسم و...) تشکیل می دهد، اینگونه درآمد هاراد در معرض رقابت با دیگران قرار دهد.

اواخر ماه میلادی گذشته (آوریل) روزنهایی مذاکرات بین المللی تعرفه و تجارت موسوم به "گات" به پایان رسید و ۱۲۴ کشور جهان موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت را امضا و تسکلیاتی بنام "سازمان تجارت جهانی" ایجاد کردند که امور مربوط به داد و ستد میان کشورهای عضو گات بر اساس موافقت نامه فوق را زیر نظر خواهد داشت. هدف موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت "گسترش بازرگانی بین المللی از طریق کاهش تعرفه ها و عوارض گمرکی و رفع موانع تجاری برای هموار کردن مسیر داد و ستد بین المللی است. از سال ۱۹۹۵ روابط بازرگانی میان دول عضو گات، به عبارت دیگر تجارت جهانی در چهارچوب موافقت نامه گات سازمان خواهد یافت. این قرارداد به لحاظ تعداد اعضا، وسعت مقررات آن و دامنه شمولیت آن بر کالاهای بازرگانی، جامع ترین پیمانانی است که تاکنون در زمینه تجارت بین المللی میان کشورهای جهان منعقد شده است.

قیمت ها کمتر، کیفیت ها بالاتر، درآمد ها بیشتر، اشتغال فراگیرتر، اینها شمار طرفداران گات است و مدعی هستند که اجرای این موافقت نامه موجب خواهد شد که: - هزینه های تولید کاهش یابد، - صادرات کشورها افزایش یابد، - درآمد کشورهای ملحق شده به آن افزایش یابد، - قدرت چانه زدن در مبادلات بین المللی بیشتر شود، - استانداردها یکنواخت و سازگار شوند، - تحرک آزادانه کالا، خدمات و عوامل تولید میسر گردد، - برابری محصولات کشورهای در حال توسعه با بازارهای جدیدی فراهم آید، - مصرف کنندگان جهانی و گروه های برنج ارزانی تر بخرند، - گندم استرالیا و آرژانتین بازار بهتری پیدا کنند، - برای آمریکا ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار در سال منافع ایجاد کند، - برای انگلیس ۴ درصد افزایش درآمدهای ملی و نیم میلیون شغل جدید تا سال ۲۰۰۵ میلادی به ارمغان آورد،



دریک شرایط آزاد و بدون مانع تجاری، معامله وقتی سودمند - برای هر طرف - خواهد بود که از جنبه اقتصادی یکسانی برخوردار بوده و یا دریک سطح از رشد اقتصادی قرار داشته باشند، در غیر اینصورت، یکی برنده و دیگری بازنده این تجارت آزادانه خواهند بود. واقعیت این است که گات به سود حفظ و گسترش بازار کالاهای صنعتی کشورهای پیشرفته غرب و شرق خواهد بود، در حالیکه اکثر کشورهای در حال توسعه که فاقد بنیانهای اقتصادی قابل اتکا هستند از آن زیان خواهند دید. هر چند در موافقت نامه گات برای کشورهای در حال توسعه امتیازهایی جزئی ظاهراً برای توسعه اقتصادی این کشورها در نظر گرفته شده، اما همانطور که گفته شد، در پس ظاهر

بجای یک قطبی کردن جهان از لحاظ سیاسی، گروه بندی و بلوک بندی اقتصادی فراهم کند، درآمد کشورهای در حال توسعه از محل صادرات نفت را حدود ۱۰ میلیارد دلار افزایش دهد، در حالی که ۲۵ درصد صادرات کشورهای عضو اتحاد اروپا را خدمات (بانکداری، بیمه، حمل و نقل، مخابرات، خدمات کامپیوتری، معماری و ساختمان و توریسم و...) تشکیل می دهد، اینگونه درآمد هاراد در معرض رقابت با دیگران قرار دهد.

دریک شرایط آزاد و بدون مانع تجاری، معامله وقتی سودمند - برای هر طرف - خواهد بود که از جنبه اقتصادی یکسانی برخوردار بوده و یا دریک سطح از رشد اقتصادی قرار داشته باشند، در غیر اینصورت، یکی برنده و دیگری بازنده این تجارت آزادانه خواهند بود. واقعیت این است که گات به سود حفظ و گسترش بازار کالاهای صنعتی کشورهای پیشرفته غرب و شرق خواهد بود، در حالیکه اکثر کشورهای در حال توسعه که فاقد بنیانهای اقتصادی قابل اتکا هستند از آن زیان خواهند دید. هر چند در موافقت نامه گات برای کشورهای در حال توسعه امتیازهایی جزئی ظاهراً برای توسعه اقتصادی این کشورها در نظر گرفته شده، اما همانطور که گفته شد، در پس ظاهر

جمهوری اسلامی و گات: دولت جمهوری اسلامی تاکنون در برابر موافقت نامه گات واکنش رسمی از خود نشان نداده است. اما همزمان با مراحل پایانی مذاکرات گات جنب و جوش در تهران نیز

است: "بخش کشاورزی ایران بدلیل داشتن مزیت های نسبی از توافقات گات نه تنها محروم نخواهد شد، بلکه با مدیریت صحیح می تواند از وضع جدید سود نیز برد. به نظر وزیر کشاورزی، در شرایط نوین اقتصادی پس از امضای پیمانای تعرفه و تجارت جهانی "گات" کفایت ها در زمینه محصولات کشاورزی شدیدتر خواهد شد، با پستی از مزیت های موجود در زمینه کشاورزی کشور حداکثر استفاده را کرد. در چنین شرایطی کشاورزی تجاری و صنایع غذایی بایستی از اولویت در سیاست گذاری های آینده کشور برخوردار شود. وی اضافه می کند: در صورتی که مسائل سیاسی محل نشود، همانطور که در حال حاضر کشورهای متخاصم اگر بخواهند از مانفیت خریداری نمی کنند، خیلی راحت می توانند محصولات کشاورزی و فرآورده های تبدیلی ما را نیز خریداری نکنند. تجاری کردن کشاورزی بدون حل مسائل سیاسی ریسک بزرگی است که در حال حاضر کشور آمادگی آن ندارد"

به این ترتیب در مورد کشاورزی نیز استفاده از مزیت های نسبی کشور به دهها گروا بسته است. اگر جزو اولویتهای سیاست گذاری آتی کشور باشد، اگر سرمایه گذاری لازم صورت گیرد، اگر مسائل سیاسی حل شود (یعنی رژیم اسلامی به ترک مخاصمه با دنیا ی خارج روی آورد) و... که تحقق این اگرها نیز همان اندازه از ناممکن هاست که تحقق اگرها در مورد صنعت کشور. بنابراین به رغم علاقمندی بسیار پاره ای و حتی بسیاری از دولتمردان رژیم اسلامی برای پیوستن به گات، بین شرایط پیوستن به گات و واقعیات امروز کشور فاصله بسیار است. حتی اگر سران رژیم اسلامی معجزه کنند و قادر به ایجاد این تحول در زمینه اقتصادی کشور چه در زمینه صنعت و چه کشاورزی شوند، خود مستلزم آنست که برای سالها فکر پیوستن به گات را کنار بگذارند.

توضیح: در تهیه مقاله از سلسله مقالات ماهنامه "صنعت حمل و نقل" شماره ۱۲۶ درباره گات استفاده شده است. محمود دادگر

به بهانه نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

کتابخوان کردن مردم راه‌های دیگری می‌طلبد

هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران که از ۱۳ اردیبهشت (سوم مه) در تهران برپا شده تا دوازدهم دیگرمه کار خود ادامه خواهد داد. در این نمایشگاه حدود ۱۲۰۰ ناشر مجموعاً ۵۶۰۰۰ عنوان کتاب فارسی و خارجی را به نمایش خواهند گذاشت. ۷۲۰ ناشر ایرانی و بقیه خارجی هستند. از عناوین کتاب‌ها نیز نزدیک به ۲۷ هزار مورد فارسی و ۲۹ هزار مورد به زبان‌های خارجی است.

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در حالی برگزار می‌شود که چاپ و نشر کتاب را بحران عمیق فرا گرفته و از رهگذر بی‌علاقگی دم‌افزون نسل جوان به کتاب و کتابخوانی روز به روز پشیمانانه علمی و فرهنگی جامعه بی‌مایه‌تر و کم‌بارتر می‌شود این امر فرد گرای و تفکر علمی و نیز ارتقاء شعور فرهنگی و اجتماعی مردم را با موانع جدی تری مواجه می‌سازد.

هم‌اکنون تیراژ متوسط کتاب در ایران از سه هزار جلد فراتر نمی‌رود، رقمی که با سال ۱۳۴۶ قابل مقایسه است، با این تفاوت که جمعیت کنونی کشور بیش از دو برابر آن سالهاست. بیشترین وقتی که هر ایرانی در سال به مطالعه اختصاص می‌دهد نزدیک به یک دقیقه است که این خود کشور ما را در رده جدول مطالعه در سطح جهان قرار می‌دهد.

با این همه هنگامی که صحبت از تمدن و فرهنگ به میان می‌آید تقریباً همه ما گردن راست کرده و درباره پشیمانانه فرهنگی و تاریخی خود داد سخن می‌دهیم، غافل از آنکه آن پشیمانانه میراث اگر بارش شعور و درک فرهنگی ما که کتابخوانی یکی از محمل‌های مهم آن است تکمیل و بدرقه نشود، تنها به درد ثبت در تاریخ و موزه‌ها خواهد خورد و تداوم و غنای فرهنگی ما را تضمین نخواهد کرد. در جامعه معاصر ما دیوان حافظ، قرآن، کتاب‌های طباطبائی و آثار خرافاتی و غیر علمی در زمینه‌های پزشکی و مشابه هنوز بالاترین تیراژ را دارند و از کتب و تالیفات نسبتاً خوب نویسنده‌گان معاصر تنها تیراژی که دو کتاب پس ازده‌ها بار انتشار از مرز صد هزار جلد گذشته است. این امر از یکسو نشانگر غلبه تفکر سنتی و غیر معاصر بر بخش اعظمی از جامعه و از سوی دیگر تبارز از بی‌حوصلگی و مداومت در امر مطالعه است.

واقع‌حافظ و قرآن و کتاب‌های طباطبائی... آثار هستند که صرف نظر از ارتباط اندکشان با مسائل و امور معاصر از پیوستگی مضمونی چندانی برخوردار نیستند و خواننده‌ای که گهگاه به مناسبتی خاص به آنها رجوع می‌کند با خواندن یکی، دو صفحه مقصود خود را حاصل شده می‌یابد آن را بسته و دوباره به کناری می‌نهد. عوامل متعددی در رویگردانی جامعه ما از

کتاب و کتابخوانی مؤثرند که ذیلاً به گونه‌ای فشرده به آنها اشاره می‌شود:

نقص سیستم تعلیم و تربیت

مدرسه در اساس مکانی است که باید ذهن دانش آموز را به پرسش و کاوش برانگیزد؛ روحیه خلاقیت و فراگیری را در وی تقویت کند و زمینه‌های رشد آزاد شخصیت او را فراهم آورد. در مدارس ما اما رابطه معلم و شاگرد متاثر از روابط پدرسالارانه حاکم بر جامعه رابطه‌ای قبیح ما آبانه و غیر آزادانه است. آموزگار معمولاً خود را بحرالعلوم می‌داند که دانش آموز باید عمده‌تاد در چارچوب حرف‌ها و احکام او ببیند و طوطی وار گفته‌ها و آموزه‌های او را فرا گیرد و باز پس دهد. کمتر پیش می‌آید که معلم با شیوه و شگردهای مناسب ذهن دانش آموز را به سوی سؤال‌ها و پرسش‌های جدید سوق دهد و برای کمک به حل این پرسش‌ها وی را به این یا آن کتاب رجوع دهد. به عبارت دیگر به دست‌انگشتان آموزگار و دانش آموز در چارچوب همان کتاب درسی که گهگاه سی سال از تالیف آن می‌گذرد خلاصه می‌شود و آموزشده نیز طبعاً چند سال بعد ترکیبی می‌شود همچون آموزگار خود. ساعت‌انداشته نیز که نمی‌تواند مجال و فرصت مناسبی برای گسترش افق ذهن و طرح آزادانه درونیات و اندیشه‌های دانش آموز و نیز تشویق وی به کتابخوانی باشد در جنبه تعیین موضوعات تحمیلی و بی‌ربط به هدر می‌رود. در واقع از آنجایی که پای نمره در میان است و نمره هم به پستند و خوشآمد آموزگار وابسته است. شاگرد نه به بیان آزاد و بی‌دغدغه افکار و یافته‌های خویش، بل به نوشتن و ادای آن چنان مطالب و جملاتی می‌پردازد که باب میل معلم باشد. از این رهگذر ساعت‌انداشته تبدیل می‌شود به صحنه لفاظی و ادای کلمات و جملات و فاضل‌مآبانانه، بر طمطراق و میان‌تهی، حرف‌ها و کلماتی که دانش آموز به آنها باور دارد در صحبت روزمره خود از آنها استفاده می‌کند. اینگونه است که ساعت‌انداشته که می‌تواند وقت مناسبی برای آشنا کردن دانش آموز با کتاب‌های مختلف و جنبه‌های مختلف آفرینش هنری و فرهنگی باشد به سبک‌ترین و بی‌ارزش‌ترین ساعات درسی تبدیل شده است. بدینسان دانش آموزی که از مدارس ایران بیرون می‌آید کمترین تماس و علاقه به کتابخوانی در عاداتش یافت نمی‌شود و همین فرد فرداً خود بمانند معلم و یار پدر رفتار و کرداری غیر از رفتار و کردار آموزگاران خود نخواهد داشت.

سانسور و بحران اقتصادی و اجتماعی

تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که هر جا دستگاه سانسور دولت محدود شود و رابطه نویسنده و مخاطبانش با موانع و سد‌های کمتر مواجه باشد، استقبال از کتاب نیز به طور محسوسی افزایش می‌یابد. چه تجربه اواسط دهه پنجاه و چه تجربه سال‌های انقلاب که با کاهش عملکردهای کنترل‌کننده در نشر کتاب توأم بوده و خیراز افزایش چشمگیر تیراژ کتاب می‌دهد. در سال ۵۶ هنگامی که دولت آموزگار اثر فشارهای مردم و ناشران به محدود کردن اختیار دستگاه سانسورناچار شد، تیراژ کتاب تازه هزار جلد افزایش یافت، رقمی که تا دو سال پس از انقلاب نیز تداوم داشت. با تحکیم پایه‌های رژیم اسلامی و گسترش جوار خلاقیت و سرکوب و نیز متاثر از بحران‌های اقتصادی، فرهنگی، ایدئولوژیک و فقدان فعالیت‌های گسترده سیاسی و اجتماعی در سال‌های اخیر تیراژ کتاب دوباره به سطح سالهای اخلاق شاهنشاهی برگشته است.

اینک از یکسو نویسندگان و ناشران برای چاپ هر کتاب باید هفتخوان سانسور را پشت سر بگذرانند و پس از کسب اجازه هم مجبورند با کاغذ و ابزاری که معمولاً در بازار آزاد تهیه می‌کنند، کتاب را چاپ و با قیمتی نسبتاً گران در معرض فروش قرار دهند. از سوی دیگر تورم و گرانی سرسام‌آور قدرت خرید کتاب را از بسیاری از افراد کتابخوان سلب کرده و به لحاظ وقت نیز تلاش معاش بخش عمده وقتی آنها را اشتغال می‌کند. در این باره خانم دانشجویی در مصاحبه با مجله گردون حق

احترام اجتماعی ناشی از مدرک بیشتر از شعور و آگاهی‌های فنی و عمومی دارنده مدرک و روحیه پژوهشگری وی بهای می‌دهد. هدف نهایی و اولی هر دیپلمه‌ای راه یافتن به دانشگاه و اخذ مدرک دکتری و مهندسی است تا با آن هم "هویت" اجتماعی معتبری کسب کند و هم شغل پر درآمدی داشته باشد. بدینسان است که علوم دیگر بویژه علوم انسانی نه محل تحصیل علاقمندان به این رشته‌ها بلکه پشت جبهه و اما نندگان از ورود به رشته‌های پزشکی و مهندسی است. این عوامل و نیز عدم حمایت سیستم آموزشی و اقتصادی ما از امر تحقیق و پژوهش رابطه دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها با کتاب را تا میزانی که متضمن کسب مدرک باشد محدود می‌کند. بی‌سبب نیست که علیرغم افزایش چشمگیر شمار دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها در دهه اخیر تیراژ کتاب تکان محسوسی نخورده است.

در رابطه با مطالعه روزنامه ۴/۲ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند که بطور مداوم روزنامه مطالعه می‌کنند. ۵۰ درصد گاهی اوقات روزنامه می‌خوانند و ۸/۸ درصد هیچگاه روزنامه مطالعه نمی‌کنند. در رابطه با روزنامه‌ی مورد مطالعه: ۲۹ درصد روزنامه کیهان، ۲۸ درصد روزنامه همشهری، ۲۱ درصد روزنامه اطلاعات، ۸ درصد روزنامه سلام، ۶ درصد روزنامه ابرار، ۳ درصد روزنامه رسالت، ۱ درصد روزنامه جهان اسلام و ۱ درصد روزنامه کار و کارگر مطالعه می‌کنند.

در رابطه با مطالب صفحات مختلف روزنامه‌ها: ۱۶/۴ درصد خوانندگان به مطالب مربوط به رویدادهای علمی علاقمند هستند، ۱۶ درصد به صفحه‌های آگهی‌های تجاری و استخدامی ابراز علاقه نموده‌اند و ۱۲/۶ درصد نیز علاقمندی خود را به مطالعه رویدادهای هنری و فرهنگی نشان داده‌اند. ۸/۱ درصد بخش سرگرمیها را مطالعه می‌کنند و ۶/۷ درصد سرمقاله، ۶/۷ درصد

در رابطه با مطالب صفحات مختلف روزنامه‌ها: ۱۶/۴ درصد خوانندگان به مطالب مربوط به رویدادهای علمی علاقمند هستند، ۱۶ درصد به صفحه‌های آگهی‌های تجاری و استخدامی ابراز علاقه نموده‌اند و ۱۲/۶ درصد نیز علاقمندی خود را به مطالعه رویدادهای هنری و فرهنگی نشان داده‌اند. ۸/۱ درصد بخش سرگرمیها را مطالعه می‌کنند و ۶/۷ درصد سرمقاله، ۶/۷ درصد

مطلب را اینگونه ادای می‌کند: "همه فکر اینست که هر چه زودتر درس را تمام کنم و نان در بیاورم. نان برای زندگی، برای بچه‌ها، تمام وقت اضافی و بی‌کاریم را فروخته‌ام، هیچ وقتی برای خواندن کتاب‌های غیر درسی ندارم." (گردون ۲۳/۲۴ ص ۲۰) گفتن ندارد که اختناق و سرکوب سیاسی و فرهنگی بخش عمده‌ای از روشنفکران و کتابخوانان جامعه را به خارج تارانداده که این خود نیز سهم موثری در افت بازار نشر و کاهش تیراژ کتاب داشته است.

کمبود کتابخانه‌ها و مراکز عمومی بخش کتاب

گرانی کتاب و ضعف قدرت خرید بسیاری از کتاب‌دوستان را وجود کتابخانه‌های متعدد و فعال می‌توانست جبران کند. اما متأسفانه در این زمینه نیز کشور ما با کمبودهایی اساسی مواجه است. برای جمعیت ۶۰ میلیون ایرانی تنها ۴۹۰ کتابخانه وجود دارد، یعنی به ازای هر ۱۲۲ هزار نفر یک کتابخانه. در استانهای همچون ایلام، مرکزی و سیستان و بلوچستان شمار کتابخانه‌ها بین ۷ تا ۹ عدد است، یعنی برخی از شهرهای این استان‌ها عملاً فاقد کتابخانه‌اند. در استان ۸ میلیونی تهران (اگر آمار رسمی را باور کنیم) تنها ۲۰ کتابخانه وجود دارد یعنی برای هر ۴۰۰ هزار نفر یک کتابخانه.

تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های کشور از ۶ میلیون جلد فراتر نمی‌رود، و این در حالی است که تنها کتابخانه آکادمی علوم روسیه ۳۵ میلیون و کتابخانه دانشگاه کمبریج ۱۴ میلیون کتاب را در خود جای داده‌اند. متأسفانه کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های کشور اکثر آثاری هستند که در دهه‌ها و سال‌های پیش انتشار یافته‌اند و در واقع رابطه زنده فعالی میان کتابخانه‌ها و بازار روز کتاب موجود نیست.

همه این عوامل در کنار رشد و گسترش رسانه‌های فراگیر و یکسویه‌سازی همچون تلویزیون و کامپیوتر و امکانات ماهواره‌ای سنت نوپا و کم‌ریشه کتابخوانی یعنی یکی از ارکان اصلی رشد و گسترش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی را در معرض تهدیدهای جدی قرار داده است. بزرگاری نمایشگاه بین المللی کتاب البته کار پستندیده و نیکویی است، اما کمک چندانی به اشاعه کتابخوانی در جامعه نخواهد کرد. برای علاقه‌مند کردن مردم به کتاب و کتابخوانی و تحکیم پایه‌های تفکر علمی و فرهنگی در جامعه مواعینی که قسماً در شان رقت باید برطرف شوند. نگاهی به کارنامه جمهوری اسلامی در این زمینه نشانه مثبتی از اراده و توانایی این رژیم در حل مشکلات فوق‌نشان نمی‌دهد.

تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های کشور از ۶ میلیون جلد فراتر نمی‌رود، و این در حالی است که تنها کتابخانه آکادمی علوم روسیه ۳۵ میلیون و کتابخانه دانشگاه کمبریج ۱۴ میلیون کتاب را در خود جای داده‌اند. متأسفانه کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های کشور اکثر آثاری هستند که در دهه‌ها و سال‌های پیش انتشار یافته‌اند و در واقع رابطه زنده فعالی میان کتابخانه‌ها و بازار روز کتاب موجود نیست.

همه این عوامل در کنار رشد و گسترش رسانه‌های فراگیر و یکسویه‌سازی همچون تلویزیون و کامپیوتر و امکانات ماهواره‌ای سنت نوپا و کم‌ریشه کتابخوانی یعنی یکی از ارکان اصلی رشد و گسترش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی را در معرض تهدیدهای جدی قرار داده است. بزرگاری نمایشگاه بین المللی کتاب البته کار پستندیده و نیکویی است، اما کمک چندانی به اشاعه کتابخوانی در جامعه نخواهد کرد. برای علاقه‌مند کردن مردم به کتاب و کتابخوانی و تحکیم پایه‌های تفکر علمی و فرهنگی در جامعه مواعینی که قسماً در شان رقت باید برطرف شوند. نگاهی به کارنامه جمهوری اسلامی در این زمینه نشانه مثبتی از اراده و توانایی این رژیم در حل مشکلات فوق‌نشان نمی‌دهد.

نتایج نظر سنجی از خوانندگان روزنامه‌ها و نشریات داخلی

در رابطه با مطالب صفحات مختلف روزنامه‌ها: ۱۶/۴ درصد خوانندگان به مطالب مربوط به رویدادهای علمی علاقمند هستند، ۱۶ درصد به صفحه‌های آگهی‌های تجاری و استخدامی ابراز علاقه نموده‌اند و ۱۲/۶ درصد نیز علاقمندی خود را به مطالعه رویدادهای هنری و فرهنگی نشان داده‌اند. ۸/۱ درصد بخش سرگرمیها را مطالعه می‌کنند و ۶/۷ درصد سرمقاله، ۶/۷ درصد

در رابطه با مطالب صفحات مختلف روزنامه‌ها: ۱۶/۴ درصد خوانندگان به مطالب مربوط به رویدادهای علمی علاقمند هستند، ۱۶ درصد به صفحه‌های آگهی‌های تجاری و استخدامی ابراز علاقه نموده‌اند و ۱۲/۶ درصد نیز علاقمندی خود را به مطالعه رویدادهای هنری و فرهنگی نشان داده‌اند. ۸/۱ درصد بخش سرگرمیها را مطالعه می‌کنند و ۶/۷ درصد سرمقاله، ۶/۷ درصد

بدرودی نابهنگام

مرگ شاعر نامی کشد مرگ شاعر را منتشر می‌کند.



کمال رفعت صفایی شاعر مبارزی که به آرمانهای بزرگ انسانی سخت دلسته بود در سحر هفتمین بهار زندگی فروفسرد و غمی تلخ بر جان و دل باران و دوستداران شعر ستیهند و پرشور خود برجای گذاشت. کار درگذشت نابهنگام و درد انگیز کمال را به خانواده و دوستان وی و نیز به جامعه فرهنگی و هنری ایران تسلیت می‌گوید.

به کجا؟

اریش فرید ترجمه خسرو ناصد

به عشق؟ اما عشق به اندیشناکی راهبراست به اندیشناکی؟ اما اندیشناکی به اندوهندناکی راهبراست به اندوهندناکی؟ اما اندوهندناکی به همدردی راهبراست به همدردی؟ اما همدردی به نومییدی راهبراست به نومییدی؟ اما نومییدی به پرسش راهبراست به پرسش؟ اما پرسش به پاسخ راهبراست به پاسخ؟ اما پاسخ به نافرمانی راهبراست به نافرمانی؟ اما نافرمانی به مرگ راهبراست به مرگ؟ باری، به مرگ؟ اما بی‌نافرمانی بی‌همدردی بی‌عشق زندگی چه خواهد بود؟

به مناسبت روز جهانی آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات در ایران نقض می‌شود

تصمیمات و کردار این یا آن نهاد نیز بیشتر در چهارچوب مصالح و منافع جناح‌های داخلی رژیم صورت می‌گیرد. نشریات آزاد نیز بخاطر اعمال سانسور و ترس از گروه‌های فشارده‌ستشان در بازتاب جریانات و رویدادهای اجتماعی و سیاسی کشور و نظرات و مشکلات واقعی مردم تقریباً بسته است و بدین سان بیشتر مردم برای دست‌یابی به اخبار و گزارش‌های واقعی از آنچه که در سطح حکومت و کشور می‌گذرد به راه‌ها و وسائل ارتباط جمعی خارجی متوسل می‌شوند.

گرچه آقای عباس عبدی، سردبیر روزنامه سلام که به اتهامات واهی به یک سال زندان محکوم گشته بود چندی پیش با ضمانت سنگین آزاد گشت، لیکن منوچهر کریم زاده کاریکاتور ریست مجله فاراد که مدت سرکوب و نقض گسترده این آزادی در سطح جهان یکی از عوامل تعیینی روز جهانی آزادی مطبوعات بوده است. تنها در سال گذشته ۱۴۵ روزنامه‌نگار در زندان رژیم‌های سرگوب و ناقض آزادی گرفتار بودند و ۶۳ تن دیگر در جریان تهیه گزارش و خبر از نقاط بحرانی و غیر بحرانی جهان کشته شدند. در ایران مانیز آزادی اندیشه و بیان به نحو خشن سرکوب می‌شود. روزنامه‌های عمده کشور که با کمک دولت اداره می‌شوند، همه اخبار و گزارشات یکدست و مثله شده به جامعه ارائه می‌کنند و انتقاد و نقد

بنا به تصمیم کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل روز سوم مه (۱۳ اردیبهشت) بعنوان روز جهانی آزادی مطبوعات تعیین شده است. روزنامه‌نگاران و فعالین مطبوعات بخاطر حساسیت حرفه خود که از افشا و بازتاب حق‌کشی‌ها، پایمال سازی قانون و زویندهای مخالف مصالح ملی از سوی مقامات و نهاد‌های حاکمه هر کشور توسط آنها ناشی می‌شود، و نیز بخاطر انتقادشان از عادات و فرهنگ‌های ناپسندیده پیوسته در معرض تهدید و سرکوب ارگانهای امنیتی و قضایی قرار می‌گیرند. از این رو آزادی بیان و انتقاد بویژه برای روزنامه‌نگاران و دست‌اندرکاران مطبوعات امری حیاتی و غیر قابل چشم‌پوشی بشمار می‌رود.

سرکوب و نقض گسترده این آزادی در سطح جهان یکی از عوامل تعیینی روز جهانی آزادی مطبوعات بوده است. تنها در سال گذشته ۱۴۵ روزنامه‌نگار در زندان رژیم‌های سرگوب و ناقض آزادی گرفتار بودند و ۶۳ تن دیگر در جریان تهیه گزارش و خبر از نقاط بحرانی و غیر بحرانی جهان کشته شدند. در ایران مانیز آزادی اندیشه و بیان به نحو خشن سرکوب می‌شود. روزنامه‌های عمده کشور که با کمک دولت اداره می‌شوند، همه اخبار و گزارشات یکدست و مثله شده به جامعه ارائه می‌کنند و انتقاد و نقد

۷/۸ درصد مجله کیهان ورزشی، ۶/۳ درصد مجله دنیای ورزش، ۵/۳ درصد مجله گل آقا، ۴/۴ درصد مجله دانشمند، ۳/۶ درصد مجله فیلم، ۱/۵ درصد مجله کیهان فرهنگی، ۱/۲ درصد مجله سینما را می‌خوانند. انتقادات و پیشنهادات: ۲۱ درصد پاسخگویان از قیمت زیاد نشریات انتقاد نموده‌اند، ۱۶/۵ درصد خواهان درج بیشتر اقیاعات هستند، ۱۳ درصد از پایین بودن سطح محتوای مطبوعات انتقاد کرده‌اند، ۵/۵ درصد از تکراری بودن اخبار روزنامه‌ها شکایت کرده‌اند، ۳/۲ درصد خواستار

رویدادها و اخبار سیاسی روز، ۴ درصد صفحه حوادث، ۴ درصد مطالب مذهبی و تاریخی، ۴/۳ درصد بخش مشاوره و پاسخ به سئوال‌ات را مورد مطالعه قرار می‌دهند. در رابطه با مجلات: ۱۳/۵ درصد مجله زن روز، ۱۰/۴ درصد هفته‌نامه حوادث، ۹ درصد مجله اطلاعات هفتگی، ۹ درصد مجله اطلاعات هفتگی، ۸/۳ درصد مجله دانستنیا، ۸ درصد مجله جوانان،

پراختن بیشتر مطبوعات به مسائل جوانان هستند، ۵/۸ درصد خواهان افزایش مطالب و رویدادهای علمی، ۲/۵ درصد خواستار افزایش مطالب مربوط به کودک و خانواده هستند، ۳/۱ درصد خواستار مردمی شدن مطبوعات بوده و ۲/۲ پیشنهاد بی‌طرف بودن مطبوعات را داده‌اند. یک بررسی دیگر نشان می‌دهد که تنها ۶۸/۵ درصد روزنامه‌نگاران ایران تحصیلات دانشگاهی دارند و فقط ۱/۶ درصد آنها در رشته‌ی روزنامه‌نگاری تحصیل کرده‌اند. ۱۳ درصد روزنامه‌نگاران رازانان تشکیل می‌دهند.

فحاشی‌های مجاهدین به مابقی اپوزیسیون جدا نکرده‌اند.

اگر بخواهیم با کلمات آقای مهرآیین سخن بگوئیم، باید تا کند کنیم سرنوشت چپ در وهله نخست، اتحاد و همبستگی در صفوف خود نیروهای چپ و نیز اتحاد با همه نیروهای متعهد به دموکراسی و حقوق بشر را دیکته می‌کند. ثقل چپ و ثقل دمکراتیک چاره‌ای جز این ندارند که وجود خود را به دیگران تحمیل کنند. اگر چنین اتحادهایی شکل گیرد، آینده نشان خواهد داد که دیگران آن قدر نیرو دارند که بتوانند معادلات سیاسی را به هم بزنند یا نه. خالی کردن میدان در برابر نیروهایی که می‌دانیم به هم زدن میثاق‌های دمکراتیک از سوی آنها بعید نیست، چاره کار نخواهد بود. باید این دعوت آقای رجوی را پذیرفت که در پیام نوروزی خود گفته است بگذار تا دیگران نیز طرح ویرانه خود را برای آینده ایران ارائه بدهند (منتها معرفی رئیس‌جمهور که حتی سازمانهای معتبری مانند کنگره ملی آفریقا و سازمان آزادبخش فلسطین نیز پیش از انتخابات آزاد بدن اقدام نمی‌کنند.)

آیا مجاهدین مواضع جدیدی دارند؟

نگارنده، دقت و حوصله‌ای را که آقای مهرآیین توصیه کرده است به خرج داد و متأسفانه در موضع‌گیری‌های اخیر سازمان مجاهدین که در نشریه این سازمان و اظهارات مقامات مسئول آن بازتاب می‌یابد، عنصر کیفیت تازه‌ای ندید. نقل قولی که آقای مهرآیین بدان استناد می‌کند، دعوتی است از سوی خانم مریم رجوی از طرفداران صلح و آزادی و مدافعان حقوق بشر در جهان که از مقاومت ایران دفاع کنند. هر کس با ادبیات مجاهدین آشنا باشد، می‌داند که منظور از "مقاومت ایران همان شورای مقاومت است و پس مابقی یا مزدورند و خائن یا جاهل (نقل مستقیم از پیام نوروزی آقای رجوی). این دعوت خانم رجوی چیز تازه‌ای نیست.

در مقابل، شماره‌های اخیر مجاهد پر است از دشنام پراکنی و برخاستن به همانهایی که آقای مهرآیین در پی‌نوسازی رابطه آنها با مجاهدین است. برجسته‌ترین نمونه، پیام نوروزی مسعود رجوی است که در این مقاله مکرراً بدان استناد شد. این پیام، مشحون از موضعی مفرعانه و بسیار تند در قبال اپوزیسیون خارج از شورای مقاومت است. پیام نوروزی امسال رجوی، می‌توانست با اندکی تغییرات در نوروز ۱۳۷۲ یا ۱۳۷۱ یا ۱۳۷۰. ایراد شود.

نقل مکان جغرافیایی رهبری مجاهدین از عراق به اروپا، به هیچ وجه با تغییر اسلوب مبارزه سیاسی این سازمان همراه نبوده است. مجاهدین از هنگام استقرار در خارج از کشور، برای دستیابی به قدرت سیاسی به دو عامل امید بسته‌اند: نیروی متشکل خود و حمایت خارجی. عامل دوم، گاه محاسباتی با بهره‌گیری از جنگ و بحران رابطه ایران و عراق بوده است و گاه، روی مساعدی که برخی از محافل آمریکایی و اروپایی به مجاهدین نشان داده‌اند. آنچه که در محاسبات مجاهدین نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد، همانا نقش و جایگاه مابقی اپوزیسیون است - این امید که انتقال بخشی از رهبری مجاهدین به اروپا بتواند در این زمینه تغییری ایجاد کند، از آغاز نیز واقع‌بینانه نبود و اگر هم در یک جمله یکی از مقالات "کار" مورد اشاره قرار گرفت، در ذهن غالب فعالین چپ جای به خود اختصاص نداد.

فدائیان و مجاهدین:

احیای سنن گذشته؟

فدائیان و مجاهدین: احیای سنن گذشته؟ نشریه "کار" در یک نظرخواهی از برخی فعالین جنبش فدایی به مناسبت ۱۹ بهمن سال گذشته، از آنها خواست درباره نوعی "دعوت به خانه پدری"، یعنی احیای جنبش فدایی با همه اجزای متفرق شده آن، اظهار عقیده کنند. پاسخ دهندگان بدین سؤال، صرفنظر از مواضع سیاسی و تئوریک کنونی خود، در این امر متفق‌القول بودند که "سنن" نمی‌تواند عامل عمده در تشکیل ثقل چپ باشد. وقتی در صفوف خود جنبش فدایی چنین نظری رایج باشد، تکلیف "سنن" مشترک فدائیان و مجاهدین روشن است.

آری، همه ما وقتی به روزهای فکری می‌کنیم که همه با هم بودند و آرزوهای نیک و فداکاری در راه تحقق همه را به هم پیوند می‌داد، قلیمان مالا مال از افسوس و حسرت می‌شود. این هیات و حسرت بیش از هر چیز نشانه ضعف ماست که نتوانسته‌ایم به جای چیزهایی که از دست رفته است، چیزهایی بنشانیم که پاسخگوی نیاز امروز ما باشد.

اگر مجاهدین درباره مبارزه برای آزادی و سربلندی مبین همانگونه بیاندیشند که ۲۰ سال پیش می‌اندیشیدند (که چنین نیست)، این امر در مورد فدائیان صدق نمی‌کند. چریک‌های هم‌سنگرد آن روز، امروز هدف‌های بکلی متفاوتی را دنبال می‌کنند، و هیچ کدام درباره دیگری چنین نمی‌اندیشد که او هنوز برای آزادی و سربلندی مبین مبارزه می‌کند. چپ، امروز اهمیت سخن هشتاد سال پیش روزالزکامبورگ را دوباره دریافته است که "آزادی، همواره یعنی آزادی دگراندیش". آبادیگران نیز این سخن را پذیرفته‌اند؟

درباره رابطه چپ با سازمان مجاهدین

سهراب مبشری

چپ، امروز اهمیت سخن هشتاد سال پیش روزا لوکزامبورگ را دوباره دریافته است که "آزادی، همواره یعنی آزادی دگراندیش". آیا دیگران نیز این سخن را پذیرفته‌اند؟

موافقت کرد که تلاش برای جلب موافقت و حضور مجاهدین در دموکراسی یا یادارونظام سیاسی دمکراتیک و با ثبات، یک ضرورت است. این ضرورت، ربطی به ماهیت این سازمان (اگر اصولاً به چیزی بنام ماهیت در مورد نیروهای سیاسی قائل باشیم) ندارد و منتج از ادامه حضور و نفوذ مجاهدین به عنوان یک نیروی سیاسی در جامعه ایران است. طبق همین اسلوب، واقعیت حضور و نفوذ بنیادگرایی در جوامع اسلامی را نیز باید پذیرفت و کوشید نیروی بنیادگرایی در جهت تخریب نظام سیاسی دمکراتیک و با ثبات به کار نیفتد. با این تفاوت که وظیفه دوم، بسیار دشوارتر است، هم از این حیث که نیروهای دمکرات فاعل هرگونه زبان مشترک با بنیادگرایی‌اند در حالی که مجاهدین حداقل در لفظ، مفاهیمی مانند دمکراسی و حقوق بشر را می‌پذیرند، و هم بدین جهت که بنیادگرایی اسلامی که بیان سیاسی عقب‌ماندگی جامعه ماست، ریشه‌هایی بسیار کهن و عمیق‌تر از سازمان ۲۰-۳۰ ساله مجاهدین دارد. قضاوت ما درباره نیروهای غیر متعهد به دموکراسی هرچه که باشد، تجربه همه کشورها نشان داده‌است که سرکوب فیزیکی، چاره معضل این نیروها نیست.

اما بین پذیرش واقعیت چنین نیروهای و تسلیم شدن بدانها، راه درازی است. برای اینکه زمینه هر سوتفاهمی از میان برود، همین جا باید تاکید کرد که مسئولیت تسلیم شدن به رژیم‌های خودکام که سالهاست با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها حقوق بشر را نقض می‌کنند، بسیار سنگین‌تر از مسئولیت دنباله‌روی از نیرویی مانند مجاهدین است که هنوز قدرت آزمون نداده‌اند. اگر طبق تقویم سیاسی مجاهدین وقایع و ارزیابی کنیم، بخشی از چپ ایران، از جمله سازمان اکثریت، به مدت یک سال و نیم (از خرداد ۶۰ تا دی ۶۱) به دنباله‌روی از رژیم‌های خونریز و جنا پیکار آلوده شد. مسئولیت این خطای سهمگین سیاسی، به گردن این بخش از چپ ایران است که باید در عملکرد و مواضع سیاسی خود، نشان دهد که تا چه حد از این دوره تیره تاریخ خود درس گرفته و تعهد به آزادی و حقوق بشر را آموخته‌است. اما خطای سیاسی آن سالها، به رهبر مجاهدین حق نمی‌دهد که دروغ صدها بار تکرار شده دخالت اکثریتی‌ها در "کشتار و شکنجه و لو دادن مبارزان و مجاهدان" را با زهم به زبان براند و بکوشد موفقیت اپوزیسیون دمکرات در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در دادگاه برلین را با اتهام ردیانه زمینه‌سازی این اپوزیسیون برای تروهای رژیم، مخدوش کند.

تا وقتی رهبری مجاهدین درباره بخشی از چپ، اینگونه سخن می‌راند و مابقی را هم بدین علت که با معرفی رئیس‌جمهور از سوی مجاهدین موافقت نکرده‌اند، به خیانت متهم می‌کند، چپ اگر بخواهد رابطه خود با سازمان مجاهدین را نوسازی کند، باید بهایی بسیار سنگین بپردازد، بهایی که اگر ابعادش به حد دنباله‌روی رژیم خمینی نباشد، حداقل با همان اسلوب و بینش پذیرفته می‌شود. این اسلوب، دیالکتیک مبارزه و رابطه سیاسی را درک نکرده است و بر آن است که با تمجید از نیروی برتری طبلی که حق حیات برای دیگران قائل نیست، و با خیراندیشی و نصیحت، می‌توان نظر مساعد رقیب سیاسی را جلب کرد. تا وقتی جبر سیاسی به یک نیرو نیاموخته‌است که دمکراسی در درجه اول نه یک مسلک انساندوستانه، بلکه تنها شیوه معقول و ممکن برای همزیستی انسانها در آستانه قرن بیست و یکم است، نرم‌ترین زبان و پند و اندرز نیز کاری از پیش نمی‌برد.

توسازی رابطه چپ با سازمان مجاهدین بدون اینکه رهبری این سازمان، تغییرات اساسی در بینش و شیوه خود در قبال مابقی اپوزیسیون را بپذیرد، جز در شکل دنباله‌روی از مجاهدین قابل تصور نیست. حتی اگر بخشی از چپ نیز دنباله‌رو مجاهدین شود، رهبری مجاهدین در

لحن تند و دشنام‌های خود علیه آن بخش از اپوزیسیون چپ و غیر چپ که موضع مستقل خود را حفظ کند، تغییری نخواهد داد. در چنین شرایطی، دنباله‌روی از مجاهدین به معنای تأیید ضمنی این حملات نیز خواهد بود، گمانیکه معدود شخصیت‌ها و گروه‌های چپ که به شورای مقاومت پیوسته‌اند، هرگز حساب خود را از

"خط خیانت بار بازگشت" بوده است تا نخستین مورد محاکمه رژیم تروریستی جمهوری اسلامی، وظیفه هر دو ستاد حقیقت است که بدین تحریف، پاسخ دهد. این پاسخ‌ها را مانند هر مقاله دیگری، انسانهایی زنده و با احساسات و حساسیت‌های معین نوشته‌اند. انتظار خویشتن‌داری در برابر دشنام و هتک حیثیت، از یک سازمان و نشریه سیاسی بیجا است. اما فراموش نکنیم یکی از ابتدایی‌ترین اصول حقوق بشر را که می‌گوید "حرمت انسان، خدشه‌ناپذیر است." نشریه مجاهد، بر پایه گزارش‌های ساختگی که "عدم دقت" آن را در شماره ۳۳۸ خود نیز پذیرفته است، حیثیت افراد معینی را لکه دار کرده است و حق این افراد است که از حرمت خود دفاع کنند.

در اختیار دادن تریبون‌های موجود برای چنین دفاعی، از بدیهی‌ترین وظایف یک سازمان سیاسی در قبال انسان‌هایی است که ده‌ها سال زندگی خود را وقف اهداف این سازمان کرده‌اند. نمونه دیگری که آقای مهر آیین بدان اشاره دارد، موضع‌گیری‌های نشریه "کار" نسبت به تغییرات در سطح رهبری مجاهدین است. "کار" نمی‌توانست خبر این تغییرات را منعکس نکند و یا مانند یک روزنامه خارجی، تنها به درج خبر کوچک درباره آن اکتفا کند. عدم آمادگی برای تحلیل مفصل، توجیه‌کننده عدم برخورد به تحولات مهم سیاسی نیست. و این واقعیت را نیز باید پذیرفت که در موضع‌گیری‌های غیر تحلیلی نیز جهت وجود دارد. در اینکه برآیند نظرات چپ بطور عام، و برآیند نظرات در سازمان اکثریت بطور خاص، نسبت به تحولات اخیر مجاهدین مثبت نیست، "کار" گناهی ندارد. مواضع انتقادی "کار" در مورد این تحولات، محدود به موردی نیست که آقای مهر آیین

سخن بدان تاخته است. اما آقای مهر آیین، ضعف‌ترین نمونه را که از نظر نگارنده نیز نمی‌یست چاپ می‌شد، برجسته کرده و از آن تا بیجا بسیار بزرگتر از اهمیت مطلب نایب‌جای "کار" گرفته است. آقای مهر آیین به خواننده چنین القا می‌کند که مجاهدین به گردن زنی ایرانی‌حقی بسیار دارند، در حالی که فدائیان، زنان خود را خانه نشین کرده‌اند. گذشته از اینکه مقایسه یک سازمان حرفه‌ای با امکانات مالی چندین برابر مجموعه نیروهای دیگر با چنین نیروهایی جایز نیست، اما چپ ایران باید با فروتنی و شرمساری اعتراف کند که از ویروس مردسالاری جامعه اسلامی در امان نمانده و به ویژه در سال‌های اخیر که فعلاً نسیاسی یا دشواری‌های ناشی از مهاجرت، فزون بر معضلات مشترک با همه مردم در تلاش معاش مواجه بوده‌اند، به سبک مذموم سنتی‌بار اداره داخلی خانواده‌ها را به زن سپرده و وظایف خود را در عرصه سیاسی، عمدتاً با تکیه بر فعالین مرد پیش برده است. اما این انتقاد از خود چپ، هیچ ربطی به موضع چپ در قبال سازمانی که در گذشته نه چندان دور، با انقلاب ایدئولوژیک اسلوب برخوردش با زنان را به معرض قضاوت همگان گذاشت، ندارد.

وبالا خیره‌نا، کمبود در برخورد تحلیلی چپ به مجاهدین در این نیز ریشه دارد که سالهاست عملاً رابطه و تبادل نظری میان فعالین این دو نیرو دیده نمی‌شود.

رهبری مجاهدین، نسبت به چنین رابطه‌ای حساسیت بسیار دارد. لحن بسیار تند این رهبری علیه نیروهای چپ و خائن شمردن غالب آنها، این هدف را نیز دنبال می‌کند که در صفوف مجاهدین، دیواری بلند در برابر هرگونه تأثیر پذیری از چپ بسازد. وقتی رهبری بلا منازع یک سازمان، که به فرمان او، اعضای این سازمان به استقبال مرگ می‌روند، از فرصت پیام نوروزی نیز برای بکار بردن سنگین‌ترین و تخطئه‌آمیزترین عناوین سیاسی برای سازمان‌هایی مانند اکثریت نمی‌گذرد، در میان مجاهدین حتی اندیشیدن به احتمال نگرشی متفاوت به چنین سازمان‌هایی نیز شهادت بسیار می‌طلبد، که گاه بزرگ‌تر از شهادت سلاح به دست گرفتن است.

مجاهدین و دموکراسی

در اینکه سازمان مجاهدین، یک نیروی سیاسی عمده ایران است تردیدی نیست. با این حکم نیز می‌توان

در شماره ۸۲ نشریه "کار" (چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۲)، مقاله‌ای تحت عنوان "رابطه چپ با سازمان مجاهدین را باید نوسازی کرد" به قلم آقای کیخسرو مهر آیین به چاپ رسیده است. از آنجایی که رابطه چپ با سازمان مجاهدین، دارای دو جهت است، قابل تصور می‌شود که مقاله آقای مهر آیین نیز دو مخاطب داشته باشد: چپ و سازمان مجاهدین. اما از آنجا که چنین نیست و مخاطب مقاله فوق‌الذکر، چپ بطور عام، و نشریه "کار" بطور خاص است، لازم است کسانی که خود را متعلق به چپ می‌دانند، آقای مهر آیین را در بحثی که آغاز کرده است، تنها نگذارند و به گفتگوی جدی درباره این موضوع مهم سیاسی بپردازند. نوشته حاضر، کوششی در این راستاست.

تزه‌های اصلی آقای مهر آیین

مقاله مندرج در "کار" شماره ۸۲، بر پایه چند تراصلی نوشته شده است. این تزه عبارتند از:

۱- چپ در حال حاضر، تحلیلی دقیق و روشن بینانه و خارج از بغض و حسد نسبت به مجاهدین ندارد.

۲- بدون موافقت و حضور مجاهدین در ایران، دموکراسی یا یادارونظام سیاسی دموکراتیک و با ثبات برقرار نخواهد شد. مجاهدین در ایران آنقدر نیرو دارند که بتوانند هرگونه دموکراسی و معادلات سیاسی را که بدون حضور آنان باشد، به هم بزنند.

۳- گرما آینده ایران را می‌خواهیم، باید مجاهدین را هم بپذیریم.

۴- باید حوصله داشت و مواضع جدید مجاهدین را با دقت مطالعه کرد.

۵- حضور مجاهدین را در اروپا باید به فال نیک گرفت و از آن استقبال نمود.

۶- فاداری به حلقه‌ای که فدائیان و مجاهدین را به هم پیوند می‌داد، نیاز کشور است و سرنوشت، آن را رقم می‌زند.

این تزه‌ها، به موضع و عملکرد سیاسی معینی می‌انجامد که به درستی از سوی آقای مهر آیین، سرنوشت‌ساز ارزیابی شده است. از این رو، به نقد تزه‌های مزبور می‌پردازیم.

تحلیل چپ از مجاهدین

در اینکه در نشریات چپ، علیرغم اینکه تعدادشان کم نیست، نوشته‌های تحلیلی و عاری از پلیمیک روزمره سیاسی درباره سازمان مجاهدین خلث، کمتر از آن است که باید باشد، حق به جانب آقای مهر آیین است. مجاهدین به عنوان یک نیروی سیاسی عمده ایران، مستحق آنند که بیشتر و دقیق‌تر مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرند. بدون اینکه قصد توجیه این کم‌کاری چپ در میان باشد، می‌کوشیم عوامل و ریشه‌های عینی این کمبود را ردیابی کنیم.

اولا کم‌کاری تحلیلی گران چپ، منحصر به مسئله مجاهدین نیست و مسائلی را نیز در بر می‌گیرد که اگر از امر موضع چپ نسبت به مجاهدین مهم‌تر نباشد، کم‌اهمیت‌ترین نیست. از آن جمله است ارزیابی ما از موقعیت حال و آینده بنیادگرایی اسلامی در کشورمان. از اینگونه موضوعات شایسته دقت و بحث بیشتر، می‌توان بسیار برشمرد. به تم‌های سیاسی، مباحث تئوریک، به ویژه مباحثی که پس از فروپاشی سوسیالیسم واقعا موجود مطرح شده‌اند یا باید مطرح شوند را نیز باید افزود. نپرداختن یا کم‌پرداختن به این یا آن موضوع، ریشه در ضعف کلی چپ پس از شکست تاریخی و جهانی آن در جنگ سرد، و شکست‌های بی‌پای چپ در تاریخ معاصر ایران دارد.

"توسازی رابطه چپ با سازمان مجاهدین بدون اینکه رهبری این سازمان تغییرات اساسی در بینش و مشی خود در قبال مابقی اپوزیسیون را بپذیرد، جز در شکل دنباله‌روی از مجاهدین قابل تصور نیست"

تا اینجا انتشار گزارش‌ها و مقالات انتقاد آمیز، اما فاقد بار تحلیلی درباره مجاهدین در نشریات چپ، و به ویژه در

"کار" بیش از آنکه ریشه در بغض و حسد داشته باشد، تاکنون در اغلب موارد با واکنشی در برابر حملات و دشنام‌های مستقیم مجاهدین بوده است یا تلاشی در انجام وظیفه به عنوان نشریه خبری - سیاسی. فی‌المثل وقتی نشریه مجاهد در تحریف مگام که برلین تا آنجا پیش می‌رود که وانمود می‌کند این دادگاه بیشتر صحنه افشای

تذکر ضرور

- ۱- مقالات درج شده در صفحات "دیدگاهها" بیانگر نظریات نویسندگان آنهاست که برای اطلاع خوانندگان نشریه از دیدگاه‌های مختلف درج می‌شود و موضع "کار" بحساب نمی‌آید.
- ۲- هیئت تحریریه "کار" از نویسندگان مقالات برای صفحات "دیدگاهها" درخواست می‌کند که مطلب خود را بگونه‌ای تنظیم کنند که حجم آن بیش از یک صفحه نشریه کار نباشد.
- ۳- نشریه کار در خلاصه کردن مقالات و نام‌های دریافتی مجاز است.

چین: آن سوی رشد و رونق اقتصادی

تنظیم و ترجمه: ح - نیک داوری

رشد اقتصادی چین و ثبات سیاسی و اجتماعی نسبی این کشور در سال های اخیر مورد توجه بسیاری از محافل سیاسی و اقتصادی جهان بوده است. پیشبرد اصلاحات اقتصادی بدون تغییر و تحول در ساختار سیاسی از ویژگی های اصلی روندهای جامعه چین در دهه گذشته بوده که بسیاری از محافل سیاسی حاکم در جهان سوم هم به پیروی از آن افتاده اند. از جمله رهبران جمهوری اسلامی در سال های آغازین برنامه اجتماعی اقتصادی اول تا حدودی به تجربه چین نظر داشتند. آنها با اتکاء به شنیده های خود مبنی بر اینکه چین بدون اصلاحات سیاسی از رشد اقتصادی خوبی برخوردار است، بر ویژگی های چین، بر سایر تحولات درونی این کشور و نیز بر تناقضات و چالشهایی که در بطن آن شکل گرفته است، چشم فرو بستند. آنها تنها دیدند که در چین نظام تک حزبی ظاهر را در اجرای اصلاحات اقتصادی موفق بوده است و پنداشتند که با نظام ولایت فقیه هم می توان همین تجربه را تکرار کرد. قسماً همین توهم بود که برنامه اقتصادی اجتماعی اول جمهوری اسلامی را سترون گذاشت و کشور را به بحرانی همه جانبه دچار نمود. باری، آیا رونق کنونی اقتصاد چین بدون تلفات و تنش های اجتماعی در جریان است و یا برخی جنبه های کاذب و شدیداً مخرب نیز آن را همراهی می کنند؟ فواید و مضرات روندهای اقتصادی فعلی برای اقشار مختلف جامعه چین کدامند؟ حزب کمونیست در هدایت و بهره برداری از رونق کنونی و جلوگیری از اصلاحات سیاسی چه سهم و نقشی دارد؟ مشکلات و بحران های آتی جامعه چین بیشتر در کجاها نمودار خواهند شد؟ نوشتار زیر می گوید تا حدودی به سؤالات فوق پاسخ دهد. در تهیه این نوشتار از مقالات و آثار نشریات آلمانی دی سایت، فرانکفورتر روندشاو و فرایتاگ استفاده شده است.

نیوزیک سال گذشته نوشت که بانکداران وال استریت اینک در حال سرفریه چین و یا در حال بازگشت از آنجا هستند. در میان نمایندگان سرمایه جهانی کمتر کسی را می توان یافت که ظرف ۱۲ ماه گذشته از چین دیدن نکرده باشد. انگیزه این سفرها هم چیزی نیست جز رونق بی سابقه اقتصاد چین. در نیمه اول سال ۱۹۹۳ تولید ناخالص ملی این کشور با تأثیرات تورم زدای خود به ۱۲/۶ درصد در عرصه تولیدات صنعتی از آن هم فراتر یعنی به ۲۰ درصد رسید.

برای سرمایه بین المللی دیگر در چین تقریباً هیچ محدودیتی وجود ندارد. صدور ورود آزادانه سرمایه، سهم شدن در مالکیت شرکت ها و کارخانه های چینی، ایجاد نمایندگی های شرکت های بزرگ جهانی با امکانات و اختیارات نامحدود، خرید و فروش زمین و دلالی با خانه ها و مجتمع های مسکونی، اجازه تاسیس نمایندگی به همه بانک های بین المللی و سرانجام صدور آزادانه کالا های صنعتی و بویژه کالا های مصرفی به بزرگترین بازار بالقوه جهان. تنها در سال ۱۹۹۲ سرمایه گذاری خارجی در چین ۱۱ میلیارد دلار بالغ شده است. در شهرهای میلیونی سواحل شرقی چین همچون کانتون، شانگهای، تیانژین و نیز در پکن همه جا عملیات ساختمان سازی و راه سازی به چشم می خورد و هتل های جدید، دفاتر کار، شاهراه ها و شهرک های صنعتی جدیدی در حال احداث است. در کانتون، شانگهای و پکن مناطق بزرگی برای تخریب، نوسازی و بهره برداری به کنسرن های هنگ کنگی فروخته شده است.

رونق اخیر در سال ۱۹۹۲ و با سفر تنگ شیا توپینگ به منطقه شن سن واقع در حدفاصل هنگ کنگ و کانتون شروع شد. شیا توپینگ که سال ۱۹۸۹ دستور سرکوب دانشجویان معترض در میدان صلح آسمانی را صادر کرد و هنوز هم بدون هیچ سمت رسمی، سیاست چین را رهبری می کند، در دیدار خود از منطقه یاد شده فعالیت نامحدود اقتصاد سرمایه داری را آزاد اعلام نمود. شن سن که در پایان دهه هفتاد یک دهکده ماهیگیری بود، اینک به شهری یک میلیونی تبدیل شده که سرمایه داران بزرگ هنگ کنگ صنایع نساجی، الکترونیک و اسباب بازی خود را در آنجا مستقر کرده اند.

دیدار تنگ از شن سن تأثیری معجزه آسا داشت: سرمایه گذارانی که پس از حادثه میدان صلح آسمانی با نگرانی به جنگ قدرت در رهبری حزب چشم دوخته بودند و از دستگیری هر معترضی بمشابه ضربه ای بر آزادی سرمایه به خود می لرزیدند، سرانجام در یافتند که حزب کمونیست و کادرهای آن به خوبی میان آزادی بی حد و مرز برای شرکت ها از یکسو و خواست های آزادی خواهانه دانشجویان و اتحادیه های کارگری و کشاورزان تفاوت می گذارند. سرکوب میدان صلح آسمانی در میان

روی داده است. جنجالی ترین این اعتراضات، قیام اهالی شهرک روستای رنسو در استان سی چون بود که طی آن دهقانان بخاطر خشم از عوارض جدید جاده سازی، به ادارات و مرکز پلیس حمله برده و کادرهای حزبی را به گروگان گرفتند. تنها کمک ارتش بود که توانست این قیام را سرکوب کند. اکثر اعتراضات و قیام ها معمولاً منشأ یکسانی دارند. به سان کارگزاران قیصر و ماموران مالیاتی در تاریخ چین، کادرهای محلی حزب نیز در یافتن دلیل و توجیه برای کسب عوارض جدید از کشاورزان استعداد چشمگیری دارند. در واقع این کادرهای حزب هستند که با تعیین عوارض و مالیات ها، سیه روزی و یا بهره روزی دهقانان را رقم می زنند. کسی که تمکین نکند و یواز پرداخت عوارض سر باز زند، بدترین قطعه زمین را در یافت می کند و به پرداخت عوارض بیشتری محکوم می شود.

اختلاف درآمدها در شهر و روستا ظرف سال های اخیر شدت بیشتری یافته است، امری که قبلاً سابقه نداشت. بازگشت تنگ شیا توپینگ به قدرت در سال ۱۹۷۹-۱۹۷۸ با اصلاحات ارضی همراه بود. اقداماتی همچون تعیین قیمت های بالا برای غلات و محصولات کشاورزی، انحلال کمون های خلقی، اعطای قطعات کوچک زمین به همه کشاورزان برای رفع نیازهای خود و لغو همه محدودیت ها در مورد خرید و فروش شخصی زمین؛ به افزایش چشمگیر تولیدات کشاورزی و مآلاً بهبود وضع اغلب کشاورزان منجر شد. در میانه دهه هشتاد اصلاحات ارضی به اهداف خود دست یافت؛ چین به یکباره با مازاد غله و گوشت خوک مواجه شد و واردات عظیم مواد غذایی بی نیاز گشت. از آن پس قیمت محصولات کشاورزی نسبت به تولیدات صنعتی روبه کاهش نهاد و درآمد کشاورزان هم طبعاً کاهش یافت.

سوءاستفاده از کار کودکان و کارگران

مهاجر، بیکاری و فقر کارگران شهری

از زمان رواج دوباره اقتصاد خصوصی در دهات در ۱۵ سال پیش، استفاده از نیروی کار کودکان نیز دوباره رایج شد، تعداد کودکان مدرسه روبرو به کاهش نهاد و نشانه هایی از اختلال در سلامت خردسالان نمودار گشت. در سال های اخیر اکثر کارخانجات و کارگاه های صنعتی سبک دولتی نیز به بهره گیری از کار کودکان (تا ۱۵ ساله روی آورده اند. در اقتصاد خصوصی شهری، رستوران ها، مغازه ها و کفاشی ها کار کودکان دیگر امری جا افتاده است.

آنچه که در شهرها جلب توجه می کند ارتش کارگران مهاجر است که شمار آنها بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر تخمین زده می شود. در همه فعالیت های ساختمانی پکن کارگران مهاجر مشغول به کارند که با دریافت پنج تاده یوان (یک دلار) و بدون هیچگونه بیمه و تأمین، ۱۰ تا ۱۲ ساعت در روز کار می کنند و شبها راهم در کپرها و یا در زیر آسمان باران سر می آورند. همه کارخانه های دولتی اینک این کارگران مهاجر را از بهترین کارگرانی می دانند که هر لحظه می توان آنها را اخراج کرد. راست این است که بر اثر اصلاحات اقتصادی، نارضایتی کارگران شهری نیز فزونی گرفته است. به گزارش روزنامه دولتی چننا دلی "این اصلاحات ۱۷ میلیون کارگر کارخانجات و شرکت های دولتی را بیکار و منتظر خدمت کرده است. بانک شن وانو، روزنامه دیگری نیز زانو به امسال از افزایش تقاضای مساعده بیکاری توسط کارگران بیکار خبر داد. بر پایه گزارش این روزنامه در ۱۰ ماه گذشته بیش از ۷۰ هزار درخواست مساعده بیکاری تسلیم ادارات کار چین شده است که این رقم از مجموعه تقاضای ۷ سال گذشته بیشتر است.

تنها بخش کوچکی از تقاضا دهندگان از مساعده مالی بهره مند می شوند و بقیه در لیست کارگران منتظر خدمت جای می گیرند؛ یعنی در عمل از مستمری دوران بیکاری بی نصیب می مانند. به کارگران اخراجی کارخانجات هیچ پولی به عنوان باز خرید تعلق نمی گیرد و حتی بعضاً حقوق آخرین ماه های کار آنها نیز پرداخت نمی شود.

زیانگ زیلونگ نویسنده واز کارشناسان برجسته صنایع چین در پژوهشی که درباره ۱۴ کارخانه دولتی بعمل آورده از بدی و ضرردهی این کارخانجات سخن می گوید. به نوشته وی این صنایع مجموعاً ۷ میلیون و ۵۷۰ هزار یوان به کارگران خود بدهکارند. در تیانژین از شهرهای صنعتی شرق چین ده ها هزار نفر زیر خط فقر زندگی می کنند. زیلونگ زوج هایی را دیده است که با ۲۰ یوان در ماه زندگی میکنند و در روز فقط یک وعده غذا می خورند.

به نوشته یکی دیگر از کارشناسان چینی در بسیاری از مناطق کشور اقدامات اعتراضی در جریان است؛ پاره ای از این اقدامات سازمان نیافته اند، برخی قانونی و برخی غیر قانونی اند. کارکنان کارخانه ها و شرکت ها برای تأمین زندگی خود در محلهای کار خود دست به دزدی می زنند؛ با مدیریت سر شاخ می شوند، تجهیزات کارگاه ها را تخریب می کنند دست به اعتصاب می زنند. با این همه مدیران از ترس گسترش آرامی جرئت نمی کنند کسی را دستگیر کنند.

گزارش اخیر آکادمی علوم اجتماعی چین درباره اوضاع سیاسی اجتماعی این کشور نیز حاوی نگرانی ها و

هشدارهای مؤکدی است. بر اساس این گزارش خیزش ها و تحریکات تجزیه طلبانه در مناطق محل زیست اقلیت ها همچون تبت و کاشغریه شدت فزونی گرفته ک علت آن هم بیشتر فقر و نا بسامانی های اجتماعی می باشد. در کارخانه ها و روستا ها نیز به سبب پیوند نیافتن رفوهای اقتصادی با گسترش شبکه های تأمین اجتماعی و سخت شدن شرایط زندگی در حال افزایش است. آکادمی یاد شده خیزش ها و اقدامات اعتراضی شدید تری را برای سال آینده پیش بینی می کند.

نقش حزب کمونیست

با توجه به روندهای فوق می توان چین را در شمار جوامع سوسیالیستی سابق به حساب آورد که در برابر سرمایه داری به زانو در آمده اند. منتهی دوسؤال باقی می ماند که نباید آنها را بی پاسخ گذاشت: نخست آنکه چرا اوضاع چین به خرابی اروپای شرقی و جمهوری های شوروی سابق به نظر نمی رسد و چرا از میان کشورهای سوسیالیستی سابق فقط اقتصاد این کشور در حال رونق است و نیز شتاب و شوق سرمایه های خارجی برای ورود به چین از کجانشانی می شود؟ دود بگر آنکه آیا حیات سیاسی و اجتماعی چین با توجه به رونق فعلی و بحران بعد از آن، در کلیت خود با ثبات و پایداری باقی خواهد ماند؟

چین در ظرف ۲۰ سال گذشته از جامعه ای با جهت گیری های مانوئیستی به جامعه ای ادغام شده در بازار جهانی فرا رزیده و به جرگه کشورهای نوصعتی پیوسته است. اما نابودی همه ارزش ها و معیارهای سوسیالیستی بدون فروپاشی اجتماعی جامعه چین تنها با سیاست ها و هدایت های حزب کمونیست امکان پذیر گشت. در واقع این حزب کمونیست بود که این روند را بنحوی سازمان یافته هدایت و رهبری نمود؛ البته این روند با خواست ها و نظرات تنگ شیا توپینگ و همفکرانش چندان شباهتی نداشت؛ چرا که آنها سال ۱۹۷۸ با بازگشت به قدرت از همان ابتدا در صدد تبدیل سریع چین به یک قدرت سرمایه داری بودند. وضعیت اجتماعی و اقتصادی امروز چین بیش از همه نتیجه سیاست های گام به گام و پراگماتیستی حزب کمونیست در هماهنگ سازی جامعه با موازین معیارهای بازار جهانی می باشد. تنها این حزب کمونیست بمشابه یک نیروی اجتماعی بزرگ قادر بود که در کشور پهناوری همچون چین گذار از اقتصاد برنامه ای به اقتصاد سرمایه داری را سازمان دهد و هر مقاومتی از جانب کارگران، دانشجوینان و اقوام تجزیه طلب را بگونه ای سیستماتیک سرکوب کند. جمله معروف مانو تنها کمونیسم می تواند چین را نجات دهد را رهبری حزب بکار گرفته می گیرد تا جامعه را درباره هرج و مرجی که استقرار آزادی های دموکراتیک می تواند بوجود آورد زندهارد و از گرایش ناسیونالیستی مردم چین که با گرایش آنها به مانوگره خورده است به سود تداوم و تحکیم نظام تک حزبی بهره گیرد.

دراواخر دهه هفتاد رهبری حزب به نفی و طرد اندیشه یاز به مائو از افکار عمومی آغاز نمود و ابتداء از شعار به هر کس مطابق توشن کارزار و وسیعاً علیه گرایش های مساوات طلبانه سازمان داد. برای توجیه خصوصی سازی اقتصاد کشاورزی، رفوهای سرمایه دارانه در کارخانه ها و کارگاه های دولتی و اجازه ورود به سرمایه خارجی و نیز تجربه سیاست نوین اقتصادی (تپ) در شوروی سال های ۲۰ مورد استفاده قرار گرفت. دلایل رایج علیه گامه آهنین برنج (که هر کس، چه تپل و چه کار می توانست از آن بخورد) نیز بعداً برای مستدل کردن اخراج کارگران از کارخانجات دولتی به کار گرفته شد. و سرانجام در سال های دهه هشتاد بود که حزب با طرح شعارهایی همچون "تروتمند شدن شایسته ستایش است، کسی که فقیر بماند چون خرس احق است. مشخصاً به تبلیغ و اشاعه روحیه فرد گرایی روی آورد.

به لحاظ اجتماعی کادرهای حزب مهمترین عاملین گذار جامعه چین به سوی سرمایه داری هستند. در واقع از میان صفوف حزب و ارتش بزرگترین بخش بورژوازی چین پدید آمده است. ثبات نسبی حزب که با ۴۰ میلیون عضو خود امکان اثباتش سرمایه داری فراهم آورده و هر گونه تلاشی برای دموکراتیزه کردن جامعه از انقلاب فرهنگی به این سورا سرکوب کرده عاملی مهم در عدم فروپاشی جامعه و رونق اقتصادی چین بوده است. همچون سایر کشورهای نوصعتی آسیا، دیکتاتوری حاکم بر چین تا زمانی مورد پذیرش عمومی است، که اقتصاد در حال رشد باشد و هر کس بتواند مطابق میلش عمل کند. ولی برخلاف تایوان و کره جنوبی هم اینک فقر مردم روستا های چین خطری است که ثبات اجتماعی را تهدید می کند و شکاف اقتصادی میان بخش های مختلف کشور پیوسته در حال عمیق شدن است. تا کنون نشانه ای

از آنکه حزب کمونیست چین در پی فائق آمدن بر این مشکلات باشد، دیده نمی شود. تنها یک فاصله گیری جدی از سیاست های توسعه ده سال گذشته است که می تواند فقر بیشتر، مهاجرت از روستاها و قیام های دهقانی را مانع شود. علاوه بر این آکادمی علوم اجتماعی چین در گزارش فوق الذکر خود ایجاد زمینه برای مشارکت عمومی در سرنوشت کشور را نیز یکی از الزامات غلبه بر بحران ذکر کرده است. این موارد اما در اجلاس اخیر کنگره خلق چین و تصمیمات اخیر رهبری این کشور نیز کما کما بازتاب یافته اند.

طالبانی:

باید برای یک امر قابل تحقق مبارزه کنیم

اوضاع در کردستان عراق و بویژه در کردستان ترکیه کماکان ناآرام و بی‌ثبات است. تانسوچیلر نخست‌وزیر ترکیه پیروزی نسبی حزب خود در انتخابات اخیر شهرداری‌ها را بمنزله رای مثبت مردم به سیاستهای سرکوبگرانه دولت در مناطق کردنشین تعبیر کرده و دست ارتش را برای تخریب و کشتار در این منطقه بیش از پیش باز گذاشته است. ارتش نیز بر شدت حملات خود افزوده است و در تعقیب چریک‌های حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بخش‌هایی از کردستان شمال عراق را مداوماً مورد حمله قرار می‌دهد. نماینده کرد مجلس ترکیه از جندی پیش به اتهام تبلیغات جدایی طلبانه زندانی شده‌اند و سردبیر و چند تن از اعضای هیئت تحریریه تنها نشریه کرد زبان ترکیه نیز به همین اتهام در حبس به سر می‌برند و خود نشریه نیز برای دادگاه وقتاً ۱۵ روز تعطیل اعلام شده است. تخریب و ویران‌سازی و هتاهات و سرکشی‌های کردنشین توسط ارتش هزاران کرد را به مهاجرت به مناطق مرکزی ترکیه ویا پناهنده شدن به کردستان عراق واداشته است.

در این حال «اوجلان رهبر پ.ک.ک» مجدداً از ایده ایجاد کردستان مستقل فاصله گرفته و در مصاحبه‌ای از لزوم برقراری یک نظام فدرالی در ترکیه سخن گفته است. اوجلان این خواست را یک سال پیش نیز مطرح کرده بود. در آن زمان با میانجیگری جلال طالبانی، پ.ک.ک.ک آتش بس یک ماهه را به اجرا گذاشت و آمادگی خود را برای مذاکره با دولت ترکیه در جهت ایجاد یک کشور فدرال اعلام نمود. این تلاش اما بی‌اعتنایی دولت ترکیه مواجه گشت و حملات نظامی ارتش به مناطق کردنشین کماکان ادامه یافت. پ.ک.ک.ک هم مجدداً عملیات مسلحانه خود را از سر گرفت و با چندین حمله به محل‌های توریستی ترکیه، کوشید آشکارا ترکیه را از یکی از منابع اصلی درآمد خود (توریسم) محروم کند. بدینسان درگیری و کشمکشهای مسلحانه میان ارتش و پ.ک.ک.ک همچنان ادامه دارد و دولت به رغم بحران اقتصادی و ترویج سراسر آورهیج تمایلی به حل بحران کردستان که بخش چشمگیری از بودجه کشور را می‌بلعد و مذاکره با نیروهای غیر افراطی پ.ک.ک.ک و دیگر احزاب جنبش کردستان نشان نمی‌دهد.

در کردستان عراق نیز ثبات شکننده‌ای حاکم است. گرچه دولت خودمختار کردستان برای بازسازی اقتصاد و عمران منطقه تلاش چشمگیری می‌کند، اما تحریکات، تهدیدات و تروروهای دولت بغداد، پاره‌ای درگیریها میان جنبش اسلامی کردستان و احزاب تشکیل دهنده دولت و نیز واهمه از زمانی که نیروهای متحدین به پوشش امنیتی و هوایی کردستان در برابر ارتش عراق پایان دهند، مانع برقراری ثبات و آرامشی پایدار در این منطقه است. درباره برخی از جوانب اوضاع در کردستان عراق و ترکیه روزنامه آلمانی فرانکفورتر روندشایو جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان که یکی از احزاب عمده دولت ائتلافی کردستان عراق است، مصاحبه‌ای انجام داده که برگردان بخشی از آن را در زیر می‌خوانید.

فرانکفورتر روندشایو: حزب شما یعنی جبهه میهنی کردستان عضو دولت کردستان است که تداوم موجودیتش به حضور نیروهای متحدین وابسته است. آیا می‌توان در جنوب کردستان (منظور جنوب کل کردستان است م.) از یک دولت مستقل سخن گفت؟

طالبانی: در کردستان عراق ما در پی ایجاد دولتی مستقل نیستیم. هدف ما ایجاد فدراسیونی (در عراق) شبیه به آلمان فدرال است. ما خواهان یک عراق دموکراتیک و فدرالی هستیم. در چهارچوب این عراق فدرالی یک دولت کردی وجود خواهد داشت.

فرانکفورتر روندشایو: آیا این موضع کل دولت کردستان است؟

طالبانی: این موضع حزب ما، حزب دموکرات کردستان (عراق) و جبهه کردستان عراق است. فرانکفورتر روندشایو: اگر متحدین به پوشش امنیتی خود از کردستان عراق پایان دهند، به نظر شما چه اتفاقی خواهد افتاد؟

طالبانی: ما فکر می‌کنیم که خلق می‌تواند مقاومت کند و به مبارزه خود ادامه دهد، همانگونه که از قیام ۱۹۶۱ تا کنون کرده است. ما قادر به ادامه حیاتیم. ما زمانی که

رژیم عراق از حمایت‌های شرق و غرب برخوردار بود، توانستیم بدون کمک از خارج در برابر آن مقاومت کنیم. حمایت و حفاظت امنیتی (غربی‌ها) طبعاً بهتر است و مانع یک جنگ داخلی جدید در عراق می‌شود.

فرانکفورتر روندشایو: مناطقی از کردستان که بیشترین منابع نفتی در آنها نهفته است، همچنان تحت تسلط بغداد قرار دارند. منطقه تحت تسلط شما فقیر است و میزان بیکاری به هشت درصد (این رقم اشتباه و بسیار کمتر از میزان واقعی بیکاری در کردستان عراق است. م) میرسد. با این وصف، اوضاع چگونه پیش خواهد رفت؟

طالبانی: اولاً باید نکته‌ای را در حرف‌های شما تصحیح کنم: بخش آزاد کردستان فقیر نیست، بلکه سرشار از نفت و ذخایر مختلف دیگر است. این بخش البته کاملاً نابود و ویران بود، چرا که عراق همه روستاهای کردنشین را ویران کرده بود. ساختار جامعه ما از هم پاشیده بود و این‌ها باعث فقر ما شده بودند. ما اگر بتوانیم کشاورزی را دوباره رونق بخشیم، روستاها را نوسازی کنیم و کارخانه‌ها را به راه بیندازیم، قادر خواهیم شد زندگی خود را از منابع موجود تامین کنیم. مردم ما هنوز در رنجند. ما با ۳۰۰ هزار پناهنده از اطراف کرکوک مواجه‌ایم و ده‌ها هزار زن و کودک در اثر حمله آلفانال ارتش عراق تنها و بی‌سرپرست شده‌اند. رژیم عراق مردم کرکوک را کشتار میکند. ما باید حقوق و زندگی ۱۵۰،۰۰۰ کارمند دولت و ۱۰۰ هزار بازنشسته را تامین کنیم. ولی به تدریج وضع را سر و سامان می‌دهیم و دوستانمان نیز در خارج راه یاری می‌طلبیم. آنها باید کمک خود را به عنوان دستگیری از فقر، بلکه در جهت کمک به دولت منتخب مردم تلقی کنند که در صدد بازسازی زیرساخت و امور جامعه است.

فرانکفورتر روندشایو: بسیاری بر آنند که نه عراق و نه ترکیه یک دولت کردی را تحمل نخواهد کرد، زیرا که در نزد شهروندان کردشان انتظارات و توقعات مشابهی برانگیخته خواهد شد. از این رو ایجاد دولت کردی را تجزیه طلبی تلقی میکنند.

طالبانی: دیکتاتور عراق حق دارد که از تجربه دموکراتیک کردستان بی‌بناک باشد، زیرا این تجربه الهام بخش مبارزه مردم عراق برای دستیابی به دموکراسی است. ما ترس ترک‌ها از تجربه دموکراتیک ما را وایه حق نیست. زیرا اولاً ما جنبش جدایی طلبی نیستیم و مشکل ما یک مسئله داخلی عراق است. علاوه بر آن ما حق نداریم در امور داخلی ترکیه دخالت کنیم.

فرانکفورتر روندشایو: سال گذشته شما به اتفاق اوجلان (رهبر پ.ک.ک) طرحی را برای کردستان

فدراتیو (در ترکیه) ارائه دادید. طالبانی: نه، مسئله چیز دیگری بود. من اوجلان را متقاعد کردم یک آتش بس یکجانبه را به اجرا گذارد و جدایی طلبی و تروریسم را نفی کند و این کار را در کنفرانس مطبوعاتی مشترک لبنان انجام داد. اما این تلاش اوجلان برای حل صلح آمیز بحران کردستان ترکیه نا کام ماند. من معتقدم یکپارچگی ترکیه و وحدت ملی این کشور اموری میرم هستند. حقوق کردها در آنجا باید در چهارچوب مرزهای ترکیه تحقق یابد.

فرانکفورتر روندشایو: فدراسیون ترکیه چه شکلی خواهد بود؟

طالبانی: من اسمی از فدراسیون ترکیه نبردم. این وظیفه ترکها و کردهای ترکیه است که مسئله خود را حل کنند. من نه حرفی از فدراسیون زدم و نه از خودمختاری و یا چیز دیگری سخن گفتم. باید در چهارچوب ترکیه واحد یک راه حل سیاسی پیدا کرد. کردها و ترک‌ها خودشان باید روابطشان را تنظیم کنند.

فرانکفورتر روندشایو: بنا بر این شما وحدت همه کردها را نفی می‌کنید؟

طالبانی: وحدت کردها (کشور بزرگ کردستان) یک رویاست. کردستان میان ترکیه، ایران، عراق و سوریه تقسیم شده است. تقسیم دوباره ۴ یا ۵ کشور خاورمیانه امری غیر واقعی است. ما باید برای یک امر قابل تحقق مبارزه کنیم.

فرانکفورتر روندشایو: بیم آن می‌رود که دیکتاتور عراق اگر فرصت پیدا کند، دوباره شما را حتی با سلاح‌های شیمیایی مورد حمله قرار دهد.

طالبانی: صدام از سوی سازمان ملل بخاطر جنایت در حق بشر متهم شناخته شده است.

و بعد از همه آن جنایات او دیگر اجازه چنین کارهایی نخواهد یافت. فکر می‌کنم او قادر به اشغال کردستان هم نخواهد بود، زیرا با مقاومت مردم ما روبرو خواهد شد. علاوه بر آن ارتش عراق به لحاظ اخلاقی و روانی سخت آسیب دیده است.

فرانکفورتر روندشایو: اگر شما فکر می‌کنید که جامعه جهانی می‌تواند جلوی صدام را بگیرد، پس چرا توانایی آن را در یافتن راه حلی برای کل کردستان نفی می‌کنید؟

طالبانی: چون یافتن چنین راه حلی دشوار است. حتی آقای اوجلان در پی ایجاد کشور کردستان نیست. او فقط حقوقی را در چهارچوب ترکیه مطالبه می‌کند. هیچ حزب کردی در هیچ بخشی از ترکیه خواهان وحدت مجدد کردستان نیست، چرا که این خواستی غیر واقعی است.

آفریقای جنوبی نوین تولد یافت

بونه‌له‌زی رهبر اینکاتا روز سه‌شنبه ۱۳ اردیبهشت (۴م) مدعی شد که در سراسر آفریقای جنوبی، عواملی که صحت انتخابات را خدشه دار کند، وجود داشته است. وی با این حال افزود قضاوت در این باره که انتخابات، آزاد و صحیح برگزار شده است یا نه، به بعد از اعلام نتایج نهایی آن مرکول می‌کند. این اظهارات بونه‌له‌زی در حالی صورت گرفت که همه ناظران داخلی و خارجی انتخابات، تأکید داشتند نواقص رای گیری، به حدی نبوده است که صحت انتخابات را خدشه دار کند.

نلسون ماندلا روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت (۳م) طی نطقی تأکید کرد که پیروزی ای. ان. سی. در انتخابات، پیروزی مردم آفریقای جنوبی است که به آبارتاید خاتمه دادند. ماندلا گفت: «این، یکی از مهمترین لحظات حیات کشور ماست. وی افزود که به مردم آفریقای جنوبی که با صبر و استواری، حق خود را گرفته‌اند، افتخار می‌کند. پس از نطق ماندلا، که در ستاد انتخاباتی ای. ان. سی. در ژوهانسبورگ ایراد گردید، ده‌ها هزار نفر از مردم در شهرهای بزرگ آفریقای جنوبی پیروزی را جشن گرفتند.

روز سه‌شنبه ۱۳ اردیبهشت، ماندلا و دکلرک برای مذاکره پیرامون ترکیب دولت آینده دیدار کردند. قرار است روز ۱۹ اردیبهشت، پارلمان جدید ماندلا راه ریاست جمهوری برگزیند و وی یک روز بعد، یعنی سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت (۱۰م) به عنوان رئیس جمهور جدید سوگند یاد کند.

بسیار پیش از حد انتظار برگزار کنندگان بود. نلسون ماندلا که در سن ۷۵ سالگی، برای نخستین بار در انتخابات رای می‌داد، هنگام انداختن رای خود به صندوق گفت: «این یک لحظه فراموش نشدنی و تحق بزرگترین امیدها و آرزوهای زندگی من است.»

دکلرک نتایج انتخابات را پذیرفت

فردریک ویلم دکلرک که حزب اونوانست به بیش از ۲۳ درصد آرا دست یابد، روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت (۴م) به شکست خود در انتخابات اعتراف کرد. وی که در مقر اصلی حزب ملی در پرتوریا سخن می‌گفت، اظهار داشت: «سه‌شنبه هفته آینده، من مسئولیت خود به عنوان رئیس جمهور را تحویل آقای ماندلا خواهم داد. آقای ماندلا، راهی طولانی پیموده و اکنون به اوج مسیر خود رسیده است. من دست دوستی و همکاری خود را به سوی آقای ماندلا دراز می‌کنم.»

حزب ملی دکلرک در سال ۱۹۴۸ میلادی قوانین تبعیض آمیزی را که بعدها به آبارتاید معروف شد، تصویب کرد. این حزب در طول ده‌ها سال، از موجودیت آبارتاید دفاع نمود و با روش‌های سرکوبگرانه، با مخالفان تبعیض نژادی و از جمله نلسون ماندلا به مقابله پرداخت. نتایج زمانی که رژیم آفریقای جنوبی تحت فشار تحریم سراسری جهانی و

برگزار کنندگان انتخابات با تمدید رای گیری، تا حدودی بهانه‌ها را از بوتله‌زی و حزبش گرفت. این حزب در انتخابات شرکت کرد و حدود یک هشتم آرای ای. ان. سی. رای به دست آورد. در هنگام تنظیم این گزارش، اینکاتا در استان ناتال بر ای. ان. سی. پیشی گرفته بود.

استقبال وسیع از انتخابات

سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت (۲۶ آوریل)، نخستین روز رای گیری در انتخابات آفریقای جنوبی، به رای دهندگان سالخورده و بیمار، زندانیان و نیز افراد نیروهای امنیتی اختصاص داشت. ما موران انتظامی در این روز امکان رای دادن یافتند تا بتوانند در روزهای بعد، امنیت انتخابات را تامین کنند.

از همان روز نخست انتخابات، آشکار گردید که اولین انتخابات غیر نژادی آفریقای جنوبی، با استقبال کم نظیری از جانب مردم مواجه خواهد شد. در برابر حوزه‌های رای گیری، صف‌های هزاران نفره تشکیل شد. از آنجا که در انتخابات قبلی آفریقای جنوبی، تنها سه میلیون سفید پوست واجد شرایط بودند، مقامات این کشور در اخذ رای از ۲۳ میلیون نفر، دچار مشکلاتی از قبیل اتمام جوهر مخصوص نشانه گذاری روی انگشتان رای دهندگان، نرسیدن اوراق و آماده نشدن بموقع صندوق‌ها شدند. استقبال مردم از انتخابات در بسیاری از مناطق،

بمب گذاری‌هایی که کشته و مجروح برجای گذاشت، طی دوروز پیش از آغاز انتخابات، حد اقل ده بمب کوچکتر نیز در حوزة‌های رای گیری، ساختمان‌های عمومی و تأسیسات برق رسانی آفریقای جنوبی منفجر شد اما تلفاتی در بر نداشت. در زمستان سال گذشته، حدود ۴۰ بمب در آفریقای جنوبی منفجر شد که ناظران نسبت به مسئولیت گروه‌های فاشیست در آن تردید ندارند. یکی از مسئولان ای. ان. سی. اظهار داشت بمب گذاری‌ها به منظور ترساندن مردم و جلوگیری از شرکت آنها در انتخابات صورت می‌گیرد. وی افزود انگیزه این جنایات، ایجاد بدبینی در داخل و خارج آفریقای جنوبی نسبت به آینده دموکراسی در این کشور است. این مقام ای. ان. سی. به مردم اطمینان داد نیروهای امنیتی، تدابیر لازم را برای حفظ جان رای دهندگان اتخاذ کرده‌اند.

یوجین تریلانن رهبر گروه فاشیستی جنبش مقاومت آفریکن علی‌رغم اینکه حزبش هرگونه مسئولیت در انفجارها را تکذیب کرد، اظهار داشت که نسبت به بمب گذاریان، احساس نفاهم می‌کند. وی افزود اگر به سفید پوستان یک منطقه مستقل داده نشود، بمب گذاری‌ها ادامه خواهد یافت.

اینکاتا در انتخابات شرکت کرد

حزب اینکاتا که تا یک هفته پیش از برگزاری انتخابات، اعلام کرده بود که آن را تحریم خواهد کرد، بالاخره در آرای پیش‌بینی مقام پادشاه منطقه «گوازلو در طرح

جلسات پرسش و پاسخ مجاهدین

در هفته های اخیر، مجاهدین خلق، در چندین شهر اروپایی اقدام به تشکیل جلسات پرسش و پاسخ کردند. این جلسات به منظور توضیح خط مشی و سیاستهای مجاهدین خلق و پاسخ به پرسش هایی در رابطه با سیاستهای رهبری این سازمان برپا شد.

سؤال های مطروحه در اکثر این جلسات، مضامین مشابهی داشتند، از دلایل استقرار مجاهدین در عراق، دلایل به کار گرفتن واژه اسلامی در کنار جمهوری دمکراتیک از سوی این سازمان، دلایل انتخاب مریم رجوی به سمت ریاست جمهوری و تناقضات این انتخاب با اصول دمکراتیک، نحوه فعالیت سازمانهای سیاسی در حکومت فرضی مجاهدین و بالاخره دلایل شکست عملیات "فروغ جاویدان"، ابرازگرانی از روابط درونی سازمانی و نحوه رفتار با ناراضیان مجاهدین نیز از جمله پرسش هایی بود که در جلسات پیش گفته عنوان شد.

مهدی ابریشم چی از اعضای رهبری سازمان مجاهدین، ذاکری و سیدالمحدثین، مسئول روابط خارجی مجاهدین - در این جلسات پرسش و پاسخ شرکت کردند. مهدی ابریشم چی که در شهرهای هامبورگ و کلن (آلمان) سخنرانی کرد، گفت که هیچ یک از اعضای رهبری این سازمان، استقرار در عراق را داوطلبانه انتخاب نکرد، اما یگانه امکان در برابر رهبری مجاهدین بود. زیرا پس از اخراج مسئولین مجاهد از فرانسه هیچ یک از کشورهای همسایه اجازه اقامت به آنها ندادند. ابریشم چی در عین حال گفت: یکی از دلایل انتخاب عراق، مبارزه با نفوذ خمینی در این کشور و جلوگیری از انقلاب اسلامی در آنجا بوده است.

ابریشم چی در مورد کاربرد واژه اسلامی در حکومت مورد نظر مجاهدین گفت: از آنجا که خمینی ما را منافق و کافر قلمداد کرده است اگر تصریح نمی کردیم که خواهان یک حکومت اسلامی هستیم محبوبیت خود را در میان مردم از دست می دادیم.

ابریشم چی گفت: در حکومت مورد نظر مجاهدین برای همه جاهت، مگر "طرفداران شاه و همگام های خمینی" وی گفت: همگامی با خمینی شامل کسانی می شود که حتی یک سرسوزن هم با خمینی رفته باشند. "ابریشم چی در پاسخ به این سؤال که این شامل خود مجاهدین و سیاستهای آن نظیر رای مشروط به جمهوری اسلامی قرارداد خمینی با سازمان در اختیار خمینی، پدر نامیدن وی،

بیانیه مشترک

زندانه را به روی مجامع بین المللی باز کنید!

پنج سازمان "حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان چریک های فدائی خلق ایران، سازمان چریک های فدائی خلق (اقلیت)، سازمان فدائی ایران و سازمان کارگران انقلابی ایران" طی "صورتبندی مشترک" به تاریخ اول مارس ۱۹۹۴ خواستار بازگشت هیات بازرسی صلیب سرخ و بازدید منظم و مداوم نمایندگان مجامع معتبر و بین المللی نظیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و عفو بین الملل از زندان های ایران گردیدند. در این بیانیه طی اشاره به گزارش آقای گالیندوپل مبنی بر وجود ۱۹ هزار زندانی سیاسی در ایران، وجود انواع شکنجه های جسمی و روحی در زندان ها،

بنا به گزارش نشریه "کیهان چاپ لندن در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۰ و ۹ آوریل کنفرانس رؤسا و نمایندگان شاخه های مشروطه خواهان ایران در شهر کلن برگزار شد. در این کنفرانس منشور و اساسنامه این سازمان به تصویب رسیده و اعضای ستاد هماهنگی انتخاب گردیدند.

سازمان مشروطه خواهان ایران رسمیت یافت

اعضای ستاد هماهنگی عبارتند از خسرو اکمل، علی یمنی، کوروش کلهر، زاله عبدالله زاده و اسدالله مروتی. کنفرانس به کمیته قطعنامه ماموریت داد تا قطعنامه بر پایه اصول تصویب شده در کنفرانس تهیه نماید.

بنای سازمان "اتحادیه ملت گریان ایران"، جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی، انجمن ایرانیان دموکرات (پارسی)، طی انتشار بیانیه ای اعلام نمودند که از این پس با حفظ هویت سازمانی خویش، هماهنگی با یکدیگر به تلاش در راه تشکیل یک نیروی جایگزین ملی و دموکراتیک برای رسیدن به آزادی، حاکمیت ملی و استقرار مردم سالاری در ایران ادامه خواهند داد. در بیانیه منتشره راجع به باورهای مشترک این سه سازمان

هماهنگی سازمانهای ملت گرا

نوشته شده: حفظ یکپارچگی ایران تعیین نوع نظام سیاسی ایران و تدوین قانون اساسی جدید توسط نمایندگان ملت شناخت ایرانیان به عنوان ملت متشکل از تیره ها و اقوام گوناگون ایرانی شناخت زبان فارسی به عنوان زبان رسمی ایران و زبان مشترک همه ایرانیان و حفظ و رشد و پویایی زبان و فرهنگ تیره های ایرانی رعایت کامل حقوق بشر جدائی دین از دولت

بنای اعلامیه منتشره از سوی سازمانی که خود را با یک خرم دین می نامد دوتن از اعضای این سازمان بنام های سرتیپ احمد شیخ شعریافان و ستوان یکم حسین رحمانی در فروردین وارد بیهشت ماه امسال اعدام شده اند. در اطلاعیه منتشره از سوی این سازمان آمده است که احمد شیخ شعریافان در سال ۱۳۷۲ به درجه سرتیپی سپاه پاسداران نائل شد و در تیرماه سال گذشته به سمت معاون فرمانده یگان

اعدامهای تازه در تهران

حفاظت "بیت رهبری" انتخاب گردید. وی در بهمن ماه سال گذشته به اتهام "توطئه علیه جان رهبر انقلاب دستگیر گردید و در ۱۳/۲۲ اعدام شد. در اطلاعیه دیگری از سوی این سازمان آمده است که ستوان یکم حسین رحمانی از اعضای این سازمان دردی ماه سال ۱۳۷۲ در شهر اراک دستگیر و در دوازدهم اردیبهشت ماه امسال در زیر شکنجه به شهادت رسید است.

بنای اعلامیه منتشره از سوی سازمانی که خود را با یک خرم دین می نامد دوتن از اعضای این سازمان بنام های سرتیپ احمد شیخ شعریافان و ستوان یکم حسین رحمانی در فروردین وارد بیهشت ماه امسال اعدام شده اند. در اطلاعیه منتشره از سوی این سازمان آمده است که احمد شیخ شعریافان در سال ۱۳۷۲ به درجه سرتیپی سپاه پاسداران نائل شد و در تیرماه سال گذشته به سمت معاون فرمانده یگان

پیام های شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت پیروزی تاریخی مردم آفریقای جنوبی بر آپارتاید

به کنگره ملی آفریقای جنوبی

آقای نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا با درود های فراوان به شما و رهبری کنگره ملی آفریقا، پیروزی تاریخی مردم آفریقای جنوبی بر آپارتاید را از صمیم قلب تبریک می گویم. مردم آفریقای جنوبی با رهبری هشیارانه شما توانستند عاقبت پس از دهها سال مبارزه برای اصل "فرهنگ رای"، با انتخابات این هفته، آپارتاید را برای همیشه به موزه تاریخ بسپارند. به راستی گفته آن مرد سالخورده ای که ساعتها برای نخستین رای زندگی خود در صاف ایستاده بود، چقدر درست است که: با این انتخابات شرف انسانی اخیاشد.

این رای گیری تاریخی، که موقعیت کنگره ملی آفریقا را به عنوان نماینده قانونی اکثریت مردم آفریقای جنوبی تحکیم کرد، احیا کننده شرف و سربلندی همه انسانهایی است که رژیمهای دیکتاتوری و نقض کنندگان حقوق بشر در نقاط مختلف جهان، حق تعیین سرنوشت را از آنان سلب کرده است. در این دنیای نا آرام که طی سالهای اخیر، کمتر روند امیدبخش را شاهد بوده است، پیروزی پرشکوه شما همچون مشعلی فراراه همه کسانی است که در سراسر جهان برای عدالت و آزادی می رزمند. ما در برابر اراده استوار مردم شما که پیکار دیرین شان سر مشق ملل دیگر است، سر تعظیم فرود می آوریم و به شخص شما که در راه هدفی که اکنون کسب شده است، نزدیک به سی سال زندان و بیش از نیم قرن مبارزه را پشت سر دارید، تبریک می گویم.

رهبری ANC و درایت و پایداری شخص شما تحسین جهانیان را برانگیخته است. این رهبری نه تنها موفق شد از بی پیکاری طولانی، رژیم جدایی نژادی، این کثیف ترین لکه ننگ بر دامن بشریت معاصر را از میان بردارد، بلکه نشان داد که توده های مردم مستعدیده قادرند پیکار خویش در راه آزادی را سرانجام به ثمر برسانند، بی آنکه مجالی برای تحمیل جنگ و ویرانی و مصیبت همگانی باقی گذارند. این رهبری نشان داد که عزم مردم حتی قادر است سنگریبانان ظلم و استبداد را هم تا آنجا به تغییر تصمیم و رویه خود ترغیب کند که آنان صلاح خویش را در ترک گذشته و پذیرش حق برابر با دیگران ببینند. سیر و سرنوشت انقلاب بزرگ مردم آفریقای جنوبی تعمق همه جهانیان در هر دو سوی جبهه آزادی و استبداد را نیز برانگیخته است و ما یقین داریم که زایش یک آفریقای جنوبی نوین که در راه آزادی و عدالت را بر روی مردم آن گشوده است، نویدبخش آینده ی روشن تر زندگی در این کره خاکی است. درود های گرم و تبریکات صمیمانه اعضای سازمان ما و مردم آزاد یخواه و عدالت جوی ایران را بپذیرید.

با احترام - شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکشنبه اول ماه مه ۱۹۹۴

به حزب کمونیست آفریقای جنوبی

رفقای عزیز! درود های گرم و تبریکات صمیمانه ما را به نمایندگی از سراسر اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت پیروزی تاریخی مردم آفریقای جنوبی بر آپارتاید بپذیرید. حزب شما که در پیکار دهها ساله مردم کشورتان علیه تبعیض نژادی و برای تامین حق تعیین سرنوشت، نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است، می تواند به سهم خود در تحقق اصل "فرهنگ رای" بیابد. ما نیز به اعتبار و نفوذ حزب کمونیست آفریقای جنوبی در جنبش پیروزمند ضد تبعیض نژادی مباحثات می کنیم.

پیروزی حزب شما به همراه کنگره ملی آفریقا به رهبری نلسون ماندلا در انتخابات آزاد آفریقای جنوبی، نشان داد که نیروهای چپ می توانند در شرایط یورش جهانی راست به مواضع عدالت خواهانه، جایگاه واقعی خود را در جنبش دمکراتیک بیابند و به عنوان رکن مهم مبارزه برای آزادی و برابری، اعتماد مردم را به خود جلب کنند. ما از مبارزه پیروزمند شما در پیکار برای احقاق حقوق مردم خود که دهها سال است با پیمانای نیروهای ضد آزادی است، الهام می گیریم. این افتخار حزب شماست که با اجتناب از خطاهایی که در سایر کشورها به شکستهای تلخ جنبش کمونیستی انجامید، اعتماد مردم را کسب و حفظ کرده اید و اطمینان داریم در شرایط نوین قبول مسئولیت خطیر مشارکت در بنای آفریقای جنوبی آزاد و آباد، اعتماد بخش بازم بزرگتری از مردم را به خود جلب خواهید کرد.

در این ساعات تاریخی، ما به همه شهدای حزب شما در مبارزه برای دمکراسی، به ویژه رفیق فقید کریس هانی که در آستانه تولد آفریقای جنوبی نوین، جان خود را فدای اهداف والای مردم خود کرد، ادای احترام می کنیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکشنبه اول ماه مه ۱۹۹۴

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.

حساب بانکی: M.ABD آدرس: RUZBEH NR_35263011 POSTFACH 1810 کد پانک: 37050198 52020 AACHEN Stadtparkasse Köln GERMANY

شماره فکس: 0049 _ 221 _ 3318290

بهای اشتراک "کار"

اروپا: ششماه ۴۵ ماری یکسال ۹۰ ماری سایر کشورها: ششماه ۵۲ ماری یکسال ۱۰۴ ماری

فرم درخواست اشتراک "کار"

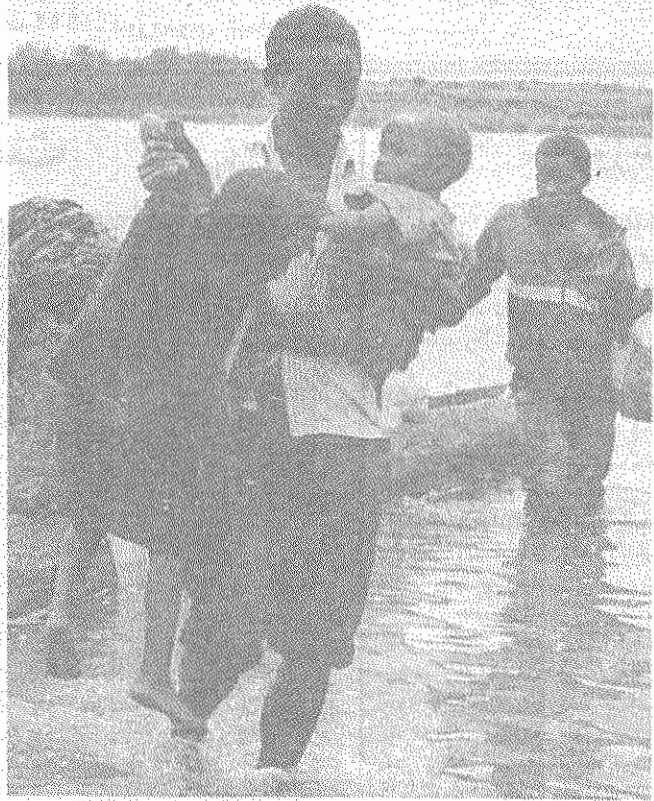
اشتراک جدید تمدید اشتراک مدت اشتراک: شش ماه یکسال

نام: تاریخ: آدرس: Name: Address:

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایند.

۲۰ هزار رواندایی کشته و صد ها هزار نفر آواره شده اند

فاجعه جنگ داخلی در رواندا لی هفته های گذشته ابعاد بازم نرسیده تری یافت. حداقل ۲۵۰ هزار نفر از مردم رواندا به علت رگیزی بین نیروهای دولتی این کشور شورشیان جبهه میهنی، به تانزانیا شاه برده اند. این آوارگان، در وضعیت بسیار نابسامانی به سر می برند و خطر شیوع بیماری هایی از قبیل وبا آنها را تهدید می کند. در بهای رودخانه مرزی کانگرا بین تانزانیا و رواندا، جنازه های بی پایان زده روبروهای رواندا شناور است. انتظار می رود که ۵۰ هزار نفر دیگر به آوارگانی که به تانزانیا رفته اند، بپیوندند.



برخی گزارش ها حاکی است نطف چهار هفته پس از کشته شدن رئیس جمهور رواندا، در رگیزی بین نیروهای دولتی، که اکثراً وابسته به بیله هوتوستند، و شورشیان، که بیشتر در اقلیت قومی توتسی با پگاه آرند، دوستانه هزار نفر از مردم رواندا به قتل رسیده اند. هفته گذشته شهر کیگالی پایتخت رواندا کماکان زیر آتش خمپاره بود. در عین حال، تلاش هایی برای کشتادن طرفین جنگ داخلی رواندا

به پای میز مذاکره جریان یافت. شورشیان جبهه میهنی اعلام کردند در مذاکراتی که به میانجیگری سازمان ملل و تانزانیا انجام خواهد گرفت، شرکت خواهند کرد. با این حال، یک سخنگوی جبهه میهنی گفت که نمایندگان این جبهه، از تماس مستقیم با دولت موقت رواندا خودداری خواهند کرد و تنها مواضع خود را به اطلاع رئیس جمهور تانزانیا خواهند رساند. این سخنگو، دولت رواندا را جنایتکار نامید، اما اظهار داشت که شورشیان حاضرند برای بنایان دادن به خونریزی، با عناصر معینی در نیروهای مسلح به گفتگو بپردازند. دبیرکل سازمان ملل در تلاش است که یک نیروی مسلح این سازمان را به رواندا بفرستد. یک سخنگوی سازمان ملل گفت پطرس غالی دبیرکل این سازمان با سازمان وحدت آفریقا تماس گرفته و در مورد آمادگی برخی از کشورهای آفریقایی برای اعزام نیرو به رواندا استوار کرده است. در شورای امنیت سازمان ملل، پیشنهاد پطرس غالی برای مداخله گسترده این سازمان در رواندا رد شد.

احبار کوناه از سراسر جهان

درگیری خونین در کردستان عراق

از کردستان عراق خبر می رسد که متأسفانه بین نیروهای مسلح وابسته به احزاب فعال در کردستان درگیری خونینی روی داده که به کشته و زخمی شدن عده ای منجر شده و تعدادی نیز به اسارت طرف مقابل درآمده اند. به دنبال این درگیری نمایندگان دفا ترسیاسی حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی در جلسه ای که به ریاست مسعود بارزانی تشکیل شد اطلاعیه ای را خطاب به اعضا و پیشمرگان هوادار خود صادر کردند:

- ۱- تمام اسرا بدون قید و شرط باید آزاد شوند.
- ۲- کمیته ای مشترک متشکل از نمایندگان دو حزب به مناطق درگیری برای بررسی موضوع اعزام خواهند شد.
- ۳- در تمام شهرهای کردستان و مخصوصاً شهره و لیراز پیشمرگانی که در مقابل هم صف آرایی کرده اند، خواسته می شود به مواضع قبلی شان برگردند.
- ۴- کسی بدون رأی مرکزیت حق دخل و تصرف در مفاد این اطلاعیه را ندارد.

امکان انتقال کانون جنگ بوسنی به برچکوی

پس از آنکه صرب های بوسنی در واکنش نسبت به فراخوان شورای امنیت سازمان ملل و اولتیماتوم ناتو موافقت کردند که پیشروی به سمت گورازده را متوقف کرده، سلاح های خود را از اطراف این شهر عقب بکشند، این احتمال وجود دارد که کانون بعدی جنگ بوسنی، که با برقراری آرامش نسبی در سارایوو پایتخت این کشور به گورازده واقع در شرق بوسنی منتقل شده بود، در اطراف شهر برچکویا شد که مانند سارایوو و گورازده، شهری با اهالی اکثر مسلمان در محاصره مناطق صرب نشین است. مقامات دولت بوسنی می گویند صرب ها سلاح های را که از مناطق دیگر عقب کشیده اند، به سمت برچکوی می برند. با این حال رهبری صرب های بوسنی می گویند که آماده است ناظران سازمان ملل را در شهر برچکوی ببرد.

ناآرامی در کراچی

شهر کراچی پاکستان از هشتم تا یازدهم اردیبهشت شاهد ناآرامی هایی بود که بدنبال اعتراضات جنبش مهاجرین پاکستان به سیاست های دولت بی نظیر بوتو صورت گرفت. این جنبش، که متشکل از نیروهای افراطی مسلمانان مهاجر از هند به پاکستان است، دولت را متهم کرده است که در قبال این گروه از اهالی پاکستان، سیاست های تبعیض آمیزی را به اجرا گذاشته است. در ناآرامی های اخیر کراچی حداقل ۱۶ نفر کشته و ده ها تن مجروح شدند. اعضای مسلح جنبش مهاجرین، به آتش زدن وسایل نقلیه و بانکها پرداختند. پس از چهار روز، دولت پاکستان دوشنبه هفته گذشته نیروهای ارتش را برای برقراری آرامش به کراچی اعزام کرد.

برلوسکونی مامور تشکیل دولت ایتالیا شد

رئیس جمهور ایتالیا، سیلویو برلوسکونی رهبر حزب دست راستی ایتالیا به پیش از آنکه در انتخابات پارلمانی اخیر این کشور، به همراه نئوفاشیست ها و اتحادیه شمال به پیروزی رسید، مامور تشکیل کابینه جدید کرد. کابینه برلوسکونی، پنجاه و سه نفری دولت ایتالیا پس از جنگ جهانی دوم است.

موافقت پارلمان اروپا با عضویت چهار کشور

پارلمان اروپا به عضویت اتریش، فنلاند، سوئد و نروژ در اتحادیه اروپا رأی مثبت داد. بدین ترتیب، امکان پیوستن این چهار کشور به اتحادیه اروپا در موعد مقرر، که اول ژانویه ۱۹۹۵ است، فراهم شد.

سیهانوک خواهان آتش بس در کامبوج شد

نوردوم سیهانوک پادشاه کامبوج در نامه ای به خیسو سامبان رهبر خمرهای سرخ که اخیراً در نبرد با نیروهای دولتی، به پیشرفت هایی دست یافته اند، خواهان برقراری فوری آتش بس شد. در نامه سیهانوک پیشنهاد جمله است دولت بنوم پن و خمرهای سرخ، نمایندگان عالی رتبه ای برای کنترل آتش بس در سراسر کشور تعیین کنند، و پس از تأمین یک آتش بس پایدار، گفتگوهای صلح در کامبوج با کره شمالی آغاز شود. به گزارش مقامات سازمان ملل، ۵۰ هزار نفر از مردم کامبوج به علت جنگ میان خمرهای سرخ و ارتش این کشور از منطقه پیرامون شهر باتامبانگ در غرب کامبوج گریخته اند.

اعدام ۵ بنیادگر در مصر

صبح روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت، ۵ نفر در یک زندان قاهره به جرم ترور نافرجام نخست وزیر مصر در پاییز سال گذشته اعدام شدند. به گفته مقامات مصری، این پنج نفر از اعضای گروه های بنیادگرای اسلامی بودند.

برنامه کوپا برای مقابله با بحران اقتصادی

کنگره خلق کوپا به دولت این کشور اختیار داد با یک سلسله اقدامات عاجل، به مقابله با بحران اقتصادی این کشور بپردازد. این اقدامات، از جمله عازتند از حذف کمک های دولت به مؤسسات ضررده دولتی، افزایش قیمت ها و اصلاح واحد پول کوپا، فیدل کاسترو رهبر کوپا طی نطقی در کنگره خلق، همچنین اعلام کرد که دولت به مبارزه با بازار سیاه خواهد پرداخت. از این پس، نهادهای دولتی می توانند کالا های بازار سیاه را معضاده کنند.

روود اکثریت فلسطینی ها به بیت المقدس متوجه است، مردم مناطق اشغالی را خشمگین کرده است. تا هنگام تنظیم این گزارش، در مذاکرات سوریه و اسرائیل پیشرفت تعیین کننده ای حاصل نشده بود. وزیر خارجه آمریکا در سفر هفته گذشته خود، یک پیشنهاد



زنان راستگرای اسرائیلی علیه سازمان آزادیبخش فلسطین تظاهرات می کنند

قرارداد خودمختاری فلسطین امضاء شد

دامه از صفحه ۱۷

۲۰۰ نفر، ۱۵۰۰ نفر در غزه و ۵۰۰ نفر راریحا مستقر می شوند. ارتش اسرائیل از چند هفته پیش، سفاد بر یادی از تجهیزات خود را از غزه و ریحان خارج کرده است و بنا بر این، بروج نیروهای اسرائیلی طرف یک ادو روز، امکان پذیر است. با این حال، برای فرصت دادن به فلسطینی ها برای آشنا شدن به محیط نارخود، این عقب نشینی طرف یک ادو هفته انجام می گیرد.

دوروز پیش از امضای قرارداد خودمختاری، چند شخصیت فلسطینی، از جمله فیصل حسینی از اعضای هیات نمایندگی فلسطینی ها و مذاکرات صلح، دردیدا و وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا، ارضیاتی خود را از میهمانانند بسیاری از مسائل در توافق های به ست آمده ابراز داشتند. فیصل حسینی در این دیدار گفت فلسطینی ها از وضعیت موجود به هیچ وجه راضی نیستند. وی افزود: ما به ویژه از بابت محاصره بیت المقدس نگرانیم. اشاره حسینی، به ممنوعیت ورود فلسطینی های ساکن قلمرو دولت اسرائیل از هنگام کشته شدن ۱۳ اسرائیلی در جریان دو بمب گذاری در اسرائیل توسط گروه بنیادگرای حماس بود. حسینی همچنین گفت در جریان گفتگوهای ۹۰ دقیقه ای خود با وزیر خارجه آمریکا، تأکید کرده است که اگر چنین سیاستی (از سوی اسرائیل) ادامه یابد، ممکن است فرصت هایی را که به دست آمده است، نابود کند. فیصل حسینی افزود آنچه اهمیت دارد، پذیرفتنی بودن محتوای قرارداد برای فلسطینی ها است نه رعایت موعد تعیین شده برای امضای آن. وی گفت: ما با تعیین وسعت منطقه اریحا توسط عرفات و رابین، چندان موافق نیستیم. حسینی خاطر نشان کرد امضای قرارداد در شرایطی که

یمن در گرداب جنگ داخلی

دامه از صفحه ۱۷

همه ۱۷ استان کشور درگیر بودند. بنا بر گزارش های رسیده تاکنون صدها نفر قربانی جنگ آشکار و اعلام نشده دوا رتس شده اند.

پس از حمله های متقابل به فرودگاه های عدن و صنعاء، روز جمعه وضعیت در هر دو شهر آرام شد و تنها فرودگاه ها به روی پروازهای عادی بسته و ارتباطات تلفنی قطع گردیده بود.

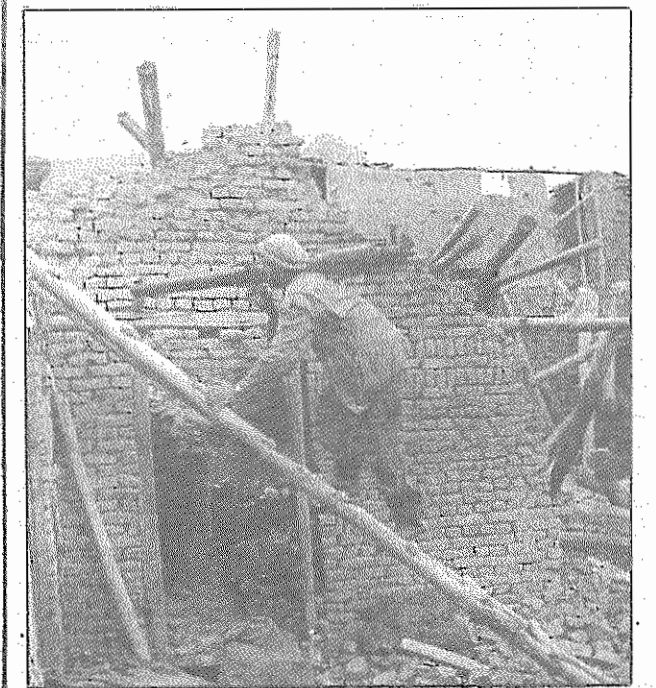
بر اساس گزارش رادپر صنعاء علی عبدالله صالح تمامی وزرائی را که از بخش جنوبی یمن در کابینه حضور داشتند، از مقام خود برکنار کرده است. علی سالم البیض معاون رئیس جمهور نیز در میان این سیاست مداران بود. وی سالم را متهم به تمرکز قدرت در دست خود و بهره کشی از جنوب کرده است. همچنین قاسم طاهر وزیر امور خارجه کشور نیز از سمت خود برکنار شد. صالح این اتهام را به او نسبت داده است که وی از یازگرداندن قوای تحت فرماندهی خود در جنوب به پادگان ها و پایان بخشیدن به درگیری ها عاجز بوده است. علی

عبدالله صالح در تکمیل حکومت نظامی، مقررات رفت و آمد شبانه را نیز وضع کرد.

قرارداد روز شنبه ۱۷ اردیبهشت (۷مه) اتحادیه عرب پیرامون چگونگی کنترل درگیری ها در یمن به شوربشیدند. مصر که خواهان این نشست فوری بود، این هدف را دنبال می کند که یکان های نظامی عرب به کشور دوشقه یمن اعزام شوند. لازمه این امر توافق اتحادیه عرب و دولت یمن بر سر این قرار است.

گزارش های رسیده همچنان حاکی از آن است که شهروندان خارجی مقیم یمن خاک این کشور را ترک می کنند. تاکنون صدها خارجی یمن را ترک کرده اند.

آخرین خبرها حاکی از آن است که ارتش شمال یمن از چهار سمت در حال پیش روی به سوی عدن پایتخت یمن جنوبی سابق است. ارتش جنوب یمن در پاسخ به تلاش شمال کشور برای اشغال عدن، تمامی نیروهای ذخیره ارتش را با مهلتی ۲۴ ساعته به خدمت فراخواند.



یکی از افراد برهان الدین ربانی رییس جمهور افغانستان برای شلیک به مواضع ژنرال دوستم آماده می شود. جنگ در افغانستان ادامه دارد

آفریقای جنوبی نوین تولدیافت

کنگره ملی آفریقاییش از ۶۰ درصد آرا به دست آورد

در نخستین انتخابات آزاد پارلمان آفریقای جنوبی که از ششم تا نهم اردیبهشت (۲۶ تا ۲۹ آوریل) برگزار شد، کنگره ملی آفریقا (ای. ان. سی.) با کسب بیش از ۶۰ درصد آرا، به پیروزی درخشانی دست یافت. هنگام تنظیم این گزارش، "حزب ملی" به رهبری فردریک ویلم دکلرک که تا هنگام برگزاری انتخابات، رئیس جمهور آفریقای جنوبی بود، ۲۳ درصد و حزب دست راستی اینکا تا به رهبری مانگوسوتوبوتله زی از سران قبیله زولو، ۸ درصد آرا را به خود اختصاص داده بودند. از اوایل هفته گذشته که شمارش بخش اعظم آرا انجام گرفته بود، روشن شد که نلسون ماندلا رهبر ای. ان. سی. که به علت مبارزه با رژیم آپارتاید، ۲۷ سال زندگی خود را در زندان های این رژیم به سربرد، از سوی نخستین پارلمان دمکراتیک آفریقای جنوبی به عنوان نخستین رئیس جمهور سیاهپوست این کشور انتخاب خواهد شد.

حملات تروریستی قبل از انتخابات

در آستانه برگزاری نخستین انتخاباتی که اکثریت سیاهپوست جمعیت آفریقای جنوبی، حق شرکت در آن را داشتند، تروریست های سفیدپوست در تلاشی ناموفق برای به شکست کشاندن انتخابات، دست به یک رشته بمب گذاری زدند. در روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت (۲۴ آوریل)، بمبی که در یک اتومبیل کار گذاشته شده بود، در نزدیکی دو دفتر ای. ان. سی. در ژوهانسبورگ منفجر شد. این حادثه، ۹ کشته و ۹۲ مجروح به جای گذاشت. رهبران طیف وسیعی از احزاب سیاسی، این بمب گذاری را به عنوان یک جنایت وحشیانه محکوم کردند. در میان قربانیان این بمب که وزن آن، ۷۰ تا ۹۰ کیلوگرم برآورد شد، نام خانم سوزان کین از کاندیداهای ای. ان. سی. برای نمایندگی در مجلس ایالتی دیده می شود. پس از این بمب گذاری، نلسون ماندلا که

برای مبارزه انتخاباتی در شهر دوربان به سر می برد، طی یک سخنرانی در یک گرد همایی صدهزار نفری، از مردم خواست آرامش خود را حفظ کنند و امر برقراری نظم و حاکمیت قانون را به نیروهای انتظامی بسپارند. ماندلا سپس بلافاصله به ژوهانسبورگ بازگشت تا درباره این بمب گذاری با دکلرک گفتگو کند. تنها یک روز بعد، در حومه ژوهانسبورگ بمبی در یک ایستگاه تاکسی منفجر شد. در این حادثه، ۱۰ تن کشته و ۳۶ نفر مجروح شدند. در نخستین ساعات همین روز نیز بمب اثر انفجار بمبی در یک رستوران پرتوریا پایتخت آفریقای جنوبی، دو نفره قتل رسیدند و ۲۱ تن مجروح شدند.

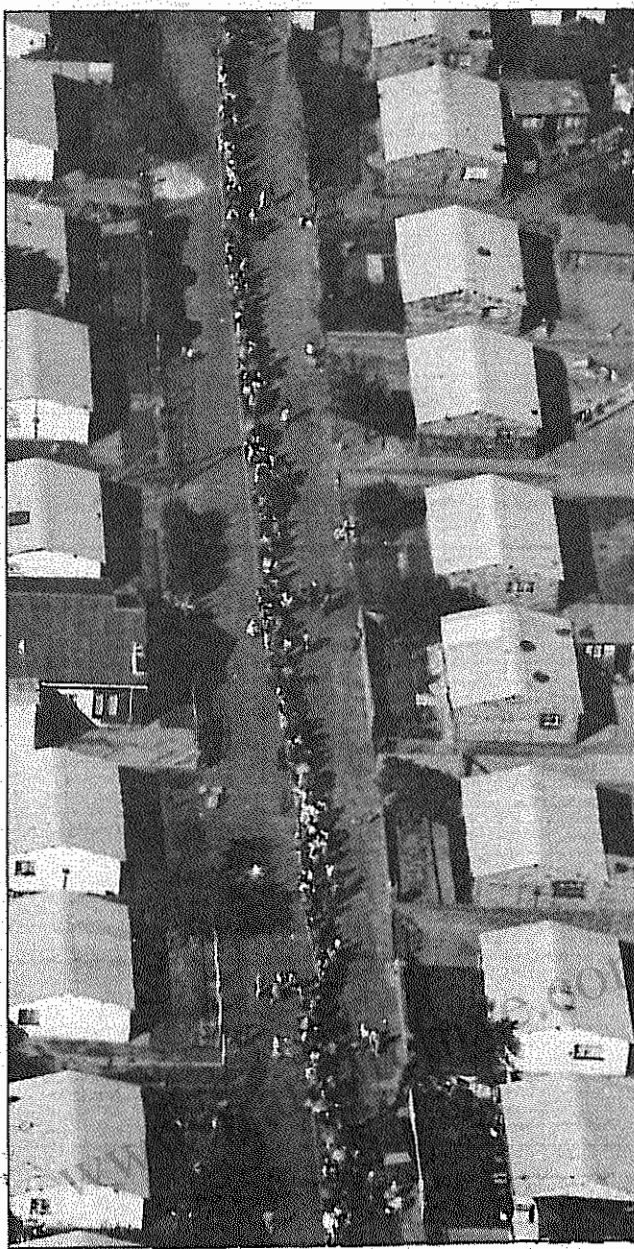
با اینکه هیچ کس مسئولیت این بمب گذاری ها را بر عهده نگرفته است، اما نظریه تهدیدات مکرر فاشیست های آفریقای جنوبی دایر بر اینکه در صورت برگزاری انتخابات، جنگ داخلی به راه خواهند انداخت، تردیدی وجود ندارد که حملات تروریستی قبل از انتخابات، از سوی سفیدپوستانی صورت گرفته است که رویای بازگشت به دوران آپارتاید را در سر می پروراند و می خواهند به هر قیمت که شده، جلوی برقراری دمکراسی در آفریقای جنوبی را بگیرند. نلسون ماندلا در جریان عیادت از مجروحین بمب گذاری ۴ اردیبهشت ژوهانسبورگ، اظهار داشت که با دکلرک در مورد اقداماتی که باید در مبارزه با عوامل بمب گذاری صورت گیرد، گفتگو کرده است. ماندلا افزود: "ما می دانیم که آنها کیستند. وی گفت امیدوار است دولت چنان عمل کند که زایل کننده تصویب حکومت ضعیف باشد که قادر نیست با قاتلان مردم بیگناه مقابله کند.

در دومین روز انتخابات، در بربر ساختمان فرودگاه ژوهانسبورگ بمبی منفجر شد که ۱۶ نفر را مجروح کرد. علاوه بر ادامه در صفحه ۹

قرارداد خودمختاری فلسطین امضاء شد

چهارشنبه هفته گذشته، عاقبت پس از ماه ها مذاکره، یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل قرارداد خودمختاری شهر اریحا واقع در کرانه غربی رود اردن و نیز نوار غزه را در قاهره امضاء کردند. توافق نهایی برای امضای این قرارداد، روز هشتم اردیبهشت ماه (۲۸ آوریل) توسط حسنی مبارک رئیس جمهور مصر که در حصول توافق مزبور نقش مهمی داشت، اعلام شد. این توافق، نتیجه گفتگوهای عرفات با شیمون پروزویر خارجه اسرائیل و نیز وارن کریستوفر همتای آمریکاییش بود که در قاهره انجام شد. با این حال، عرفات و رابین یک روز پیش از امضای قرارداد، برای تعیین تکلیف دو موضوع آخر مورد اختلاف، که عبارت بودند از وسعت منطقه خودمختاری اریحا و استقرار یا عدم استقرار نگهبانان فلسطینی در مدخل پلی که اردن را به کرانه غربی متصل می کند، در قاهره دیدار کردند. با

این حال، عرفات و رابین نتوانستند در مورد وسعت منطقه اریحا به توافق برسند و این امر از چارچوب قرارداد خودمختاری حذف شد. عرفات هنگام امضای قرارداد، نخست از پراف کردن نقشه های ضمیمه آن خودداری کرد و تنها پس از مذاخله میانجیان، به امضای نقشه ها رضایت داد. با این حال رهبر ساف امضای خود در پای این نقشه ها را با پاره ای تذکرات همراه کرد. به موجب قرارداد، قاهره، هزاران مأمور پلیس فلسطینی، که بخشی از آنها به سلاح های خودکار مجهزند، در اریحا و نوار غزه استقرار می یابند. مراسم امضای قرارداد خودمختاری با حضور وارن کریستوفر و آندره کوزیروف وزیر خارجه ایالات متحده و روسیه برگزار شد. کریستوفر پس از تعیین روز ۱۴ اردیبهشت (۴ ماه مه) به عنوان تاریخ امضای قرارداد، سفر خود به خاورمیانه را تمدید کرد. وی در جریان این سفر، به اسرائیل و



صف طولیل رای دهندگان در ژوهانسبورگ پایتخت آفریقای جنوبی.

پیام های تبریک شورای مرکزی سازمان به نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقای جنوبی و حزب کمونیست آفریقای جنوبی

به مناسبت پیروزی تاریخی مردم آفریقای جنوبی بر آپارتاید در صفحه ۱۰

سوریه نیز رفت تا مذاکرات این دو کشور از این بست خارج کند.

اسرائیل در آخرین روزهای مذاکرات، با پاره ای از خواست های فلسطینی ها در مورد نمادهای استقلال دولتی موافقت کرد. از جمله، قرار شد فلسطینی ها اختیار چاپ تمپرستی، داشتن کد تلفنی مستقل بین المللی و اوراق هویت معادل گذرنامه را داشته باشند. گذرنامه های فلسطینی از سوی دولت خودمختار صادر خواهد شد و مدت اعتبار آن، سه سال خواهد بود. دولت اسرائیل با این استدلال که خودمختاری به معنای انتقال حاکمیت نیست، مدت ها در برابر این خواست ها مقاومت می کرد. توافقی که در آخرین روزها به دست آمد، از جمله مربوط به حریم هوایی غزه و اریحا و استقرار ناظران بین المللی در این دو منطقه بود. قرار است شش کشور به این دو منطقه ناظر بفرستند. مقررات مربوطه، شبیه به توافقی است که چندی پیش در مورد ناظران بین المللی در شهر الخلیل واقع در کرانه غربی رود اردن به دست آمد.

تا آخرین روزهای مذاکرات، مسئله زندانیان فلسطینی در زندان های اسرائیل و حیطه شمول قوانین فلسطینی در مناطق خودمختار مورد اختلاف بود. همچنین اختلافاتی در مورد حریم دریایی فلسطین در امتداد نوار غزه، به ویژه در ناحیه شهر کهای یهودی نشین این منطقه، وجود داشت. قرار است یاسر عرفات نه به عنوان رئیس کشور، بلکه به مثابه رهبر ساف وارد مناطق خودمختار شود. هنوز تاریخی برای رفتن عرفات به این مناطق اعلام نشده است. طبق توافقی های حاصله، عقب نشینی نیروهای ارتش اسرائیل از مناطق خودمختار، یک روز پس از امضای قرارداد خودمختاری آغاز می شود. در توافقی های حاصله، مقرر گردید در روز نخست پس از امضای قرارداد، ۲۰۰۰ نفر از ۹۰۰۰ مأمور پلیس فلسطینی که بنیادین مناطق خودمختار مستقر شوند، جای واحدهای اسرائیلی را بگیرند. از این ادامه در صفحه ۱۱

سالروز غلبه بر فاشیسم

نهم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) به عنوان روز غلبه بر فاشیسم در تاریخ ثبت شده است. در این روز بر تلاشی نقطه پایان گذارده شد که فاشیسم ط حدود دوده برای استیلا بر اروپا و جهان انجام داد. فاشیسم در موط خود سرکوب شد. بشریت مترقی هر ساله این روز را گرامی می دارد.

غلبه بر فاشیسم به بیانی گران به دست آمد. میلیونها انسان در سراسر جهان به ویژه در دوقاره اروپا و آسیا در خاک و خون غلطیدند. میلیونها انسان آواره گشتند، ده ها هزار انسان در کوره های آدم پزی فاشیست جان گداختند. میلیونها کودک بزمردند، میلیونها انسان داغ عزیزان سینه کشیدند تا عاقبت بشریت، فاشیسم این غده بدخیم را از کالبد خویش دور ساخت.

در این میان مردم وسعه پهناور اتحاد شوروی سابق نقش بی دلیلی ایفا کردند، تنها بیش از ۲۰ میلیون نفر از مردم شوروی، قهرمانان جاد دادند تا بشریت به این دستاورد بزرگ خود نائل آید.

۴۹ سال ما را از آن روز جد می کند، روزی که شجاعت و قهرمانی ترس، و خفت و خواری غلبه کرد و آن را به شکستی سنگین واداشت.

بزرگداشت روز غلبه بر فاشیسم، هیچگاه زانده نخواهد بود. گرچه ده ها از آن می گذرد، ولی کماکان انسان هائی بسیار بر سراسر ایر کره خاکی داغ دار جنگ نفرت انگیزی اند که تنها بر سر بلاهت سود پرستی غیر انسانی مشتی نژاد پرست آتش وحشت بر سراسر جهان افکند. هزاران هزار انسان از یادآوری شکنجه های وحشیانه فاشیست هامو بر تن راست می دارند. ابعاد آن فاجعه ای که فاشیسم صورت سیطره بر جهان برزندگی تک تک ما حاکم می کرد، بر هیچکس آشکار نیست.

تا کید بر اهمیت روز غلبه بر فاشیسم به ویژه امروز در شرایط جان یاب دویاره ابلیس نژاد پرستی و فاشیسم و در شرایط برافروخته شدن جنگ های برادر کشی میان ملل هم سایه و هم راه همچنان لازم است. چرا که د وانقسای امروزی جهان یاری جویی از هر مکانی که به امر مهم تجدید، محور مایلات نژاد پرستانه و غیر دموکراتیک در میان تمامی ملل سود رساند، الزامی است.

در سال روز غلبه بر فاشیسم یاد پایک تمامی آن انسانهایی را گرامی می داریم که برای آزادی جهان، برای آزادی و برابری رهایی انسانها جان داد، کف نهادند و فاشیسم را به زانو در آوردند.

یمن در گرداب جنگ داخلی

حدود ۴ سال پیش خبرگزاری ها خبر وحدت آرام و بی سروصدا ای جمهوری دموکراتیک خلق یمن و جمهوری عربی یمن را به سراسر جهان مخابره کردند. با توافق سران دو کشور صنعا پایتخت یمن شمالی به عنوان پایتخت یمن واحد انتخاب شد. علی عبدالله صالح از یمن شمالی به ریاست جمهوری و علی سالم البیض از یمن جنوبی به معاونت وی انتخاب شدند.

همه چیز خبر از گذاری مسالمت آمیز از جنگ سرد به آشتی گرم می داد. ولی هرچه زمان گذشت، این حکم خود را با سماجت بیشتری به اثبات رساند که دو جامعه ای را که سال های سال در راه های متفاوت اقتصادی - اجتماعی طی طریق کرده اند، نمی توان از امروز تا فردا به یکدیگر دوخت.

در این سالها اختلافات قومی و قبیله ای، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و مهم تر از همه نبرد بر سر قدرت در یمن متحد چنان رشد یافته است که تنها جای گذرگاه های مرزی میان دو بخش کشور خالی است تا ببارد بگر آن را رسماً دوباره اعلام کند. یمن پس از گذشت چهار سال از وحدت رسمی اش در واقع کماکان دو تکه است.

تا چندی پیش بازرترین نشانه دوبارگی یمن، صرف نظر از درگیریهای گاه گاه ارتش های دویخش، تضاد روبه رشد میان صالح رئیس جمهور و سالم البیض معاون وی بود. ولی از چند هفته پیش به این سودرگیری مسلحانه نیروهای نظامی شمال و جنوب یمن وارد مرحله جدیدی شده و کشور را در اوضاع سیاسی بحرانی قرار داده است. لازم به تذکر است که ارتش های یمن جنوبی و یمن شمالی تنها در ظاهر ادغام شدند، ولی هر یک از آن ها ساختار و ترکیب خود را حفظ کرد.

هفته گذشته درگیری نظامی پراکنده میان دو بخش جنوبی شمالی یمن فراز جدیدی گرفت و جنگی تمام عیار تبدیل شد. ر پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت (۵ مه) جنگنده های نیروی هوایی یمن جنوبی، صنعا پایتخت کشور شهرهای تعز و حویده واقع در بخش شمالی کشور را بمباران کردند. صنعا کاخ ریاست جمهوری فرودگاه شهر هدف حمل جنگنده های یمن جنوبی بودند. د بی این، صالح رئیس جمهور یمن د سراسر کشور به برقراری مقررار حکومت نظامی به مدت ۳۰ روز اقدام کرد.

به گفته یک سخن گوی نظامی د عدن، پایتخت یمن جنوب سابق، هدف از حملات نظام ارتش بخش جنوبی کشور نابودی د فرودگاه مهم شمال است دیلمتهای غربی از درگیری های د صنعا خبر می دهند. از آن جانی ک رسماً هیچ یکان نظامی جنوب د صنعا مستقر نیست، بعید نمی یاش که نبردهایی نیز میان واحدهای نظامی شمال در گرفته باشد. گفته می شود سربازان یمن شمالی با کاربرد تانک مقرر حزب سوسیالیست یمن، حزب حاکم یمن جنوبی سابق را در صنعا نابو، کرده اند. بر اساس اخبار تایید نشد در نبردهای در حومه شهر د مارواک در صد کیلومتری جنوب صنعا، یک یکان نظامی توسط واحدهای نظامی شمال منهدم شده است. گفتا می شود واحدهای شمال در صد حمله به عدن بوده اند.

روز جمعه ۱۶ اردیبهشت (۶ مه) خبرگزاری ها خبر از گسترش ابعاد درگیری ها در تمامی خاک یمن دادند. در این روز یکان های متخاصم جنوب و شمال تقریباً در ادامه در صفحه ۱۱